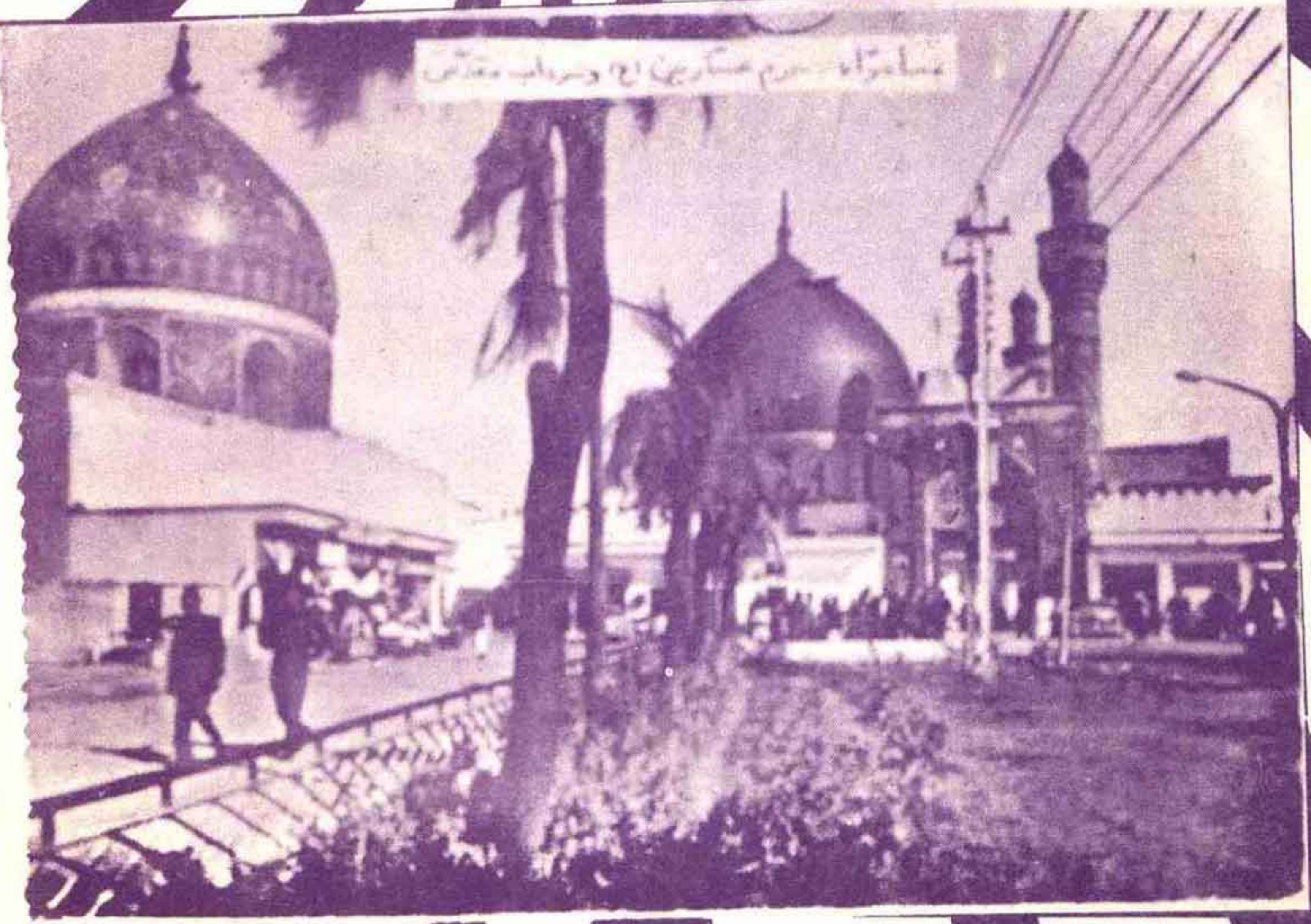


# مہدی آل محمد ص

مسجد امام حسین علیہ السلام و صوبہ بغداد





هرگز مـهرتوا زلوح دل و جان نرود  
هرگز ازیا من آن آن سروخرا مان نرود  
آن چنان مهرتوا مـدر دل جان جای گرفت  
که گرم جان برود مهرتوا ز جان نرود

# مهدی آل محمد

شامل:

- ۱ امامت
- ۲ غیبت
- ۳ علائم ظهور
- ۴ اوقات یسع بعد از ظهور
- ۵ وظایف شیعه در غیبت

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَاءِكَ  
الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ  
الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ وَعَلِيِّ  
الصَّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلِيِّ  
سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَأَمَامِي الْهَدْيِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ  
عَلِيٍّ أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ  
عَلِيِّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى  
وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ  
الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمَوْعُودِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل و  
ادل به اولياك واذلل به اعداك اللهم جعل  
مستقره لنا مستقرا ومقاما" وبلغه منا تحية وسلاما"  
وزدنا بذلك يا رب اكراما"

بمناسبت فرا رسیدن نیمه شعبان ۱۴۰۱ میلاد  
با سعادت سید و مولایمان حضرت بقیة اللہ العظیم  
ارواح العالمین له الفداء یکی از دوستان خواستند  
صفحاتی چند را جمع به آن حضرت در ابعاد مختلف از  
احادیث و آیات و کلمات بزرگان تنظیم و در  
اختیار شیعیان و شیفتگان نشر قرار داده شود  
از حضرتت امید داریم که نظر به ارزش و کمیت عمل  
نفرمائید که جزاء مطابق اعمال و باروش عدل بنا  
ما سازگار نیست بلکه به این حساب که زینت بخش  
این صفحات کلمات اجداد طهریانت علیهم السلام  
بوده و کلامکم نور و از سوی دیگر عادتکم الاحسان  
و سببکم لکرم یا بن السادة المقربین یا بن  
النجباء فاولنا الکیل و تصدق علينا ان الله  
يجزى المتصدقین .

این هدیه نا چیز را که بمناسبت عید بزرگ تشیع  
بلکه بشریت ولادت با سعادت حضرت مهدی آل محمد  
عج به پیشگاه و اولاد امام حضرت عسکری صلوات  
الله و سلامه علیه و اولاده مکرماش نرجس خاتون هدا

کرده مقدم با برکت ولی الله اعظم (ع) را به محضرشان  
تبریک و تهنیت عرض می‌کنم توقعوا میددا رم مسورد  
قبول واقع شده با یک توجه و تصرف ولایتی ما را  
بخود متصل و نسلهای آینده ما را ولایتی قرار  
دهد.

قم - پایگاه آل محمد (ع) و پیروانش

۱۸ رجب ۱۴۰۱ - الف - الف

## سرلوحه گفتار

از ابتدای پیدایش جهان نوع بشر در تشنج، واضطراب و داهره بسرمی برد و در اثر تجاوز و ظلم آرامش خاطر از میان رفته و جانها بلب رسیده و تا کنون با وجود رهبرانی شایسته مانند پیا مبران و اوصیاء آنان در اثر نارسائی و جهل و خودبینی جوامع بشری زمینه مسا عدنبوده و بهمین جهت پس از مدت طولانی ارشاد و تبلیغ هیچیک از پیا مبران و رهبران آسمانی موفق نشده اند جوامع بشری را کاملاً اصلاح کنند و این عدم تمکن از نا حیثیه انسانهای ظلوم و جهول است نه از نا حیثیه پیا مبران و رهبران الهی .

در هر مقطع زمانی اهل آن زمان از این نابسامانی و تعدیات در رنج و در پی چاره و دوائی این درد طاقت فرسا و جستجوی موجودی که قدرت و تمکن اصلاح جامعه را داشته باشد بوده اند در هر زمان هر گروه و ملت و هر دین و مذهب در انتظار یک فرد مصلح جهانی بوده و هست و خواهد بود و به اصطلاح در هر فردی یک قوه و غریزه مصلح و مهدی طلبی وجود دارد لیکن در مصداق خارجی



آن اختلاف شده است با لایحه گویم در مصداق خارجی  
نیست اختلاف و اشتباهی نیست زیرا مصداق خارجی در  
حقیقت یکی بیش نیست چرا که مصلحتی که به  
شرایط خاص خواسته همگان است در یک فرد مشخص  
پیدا میشود و باید آن جامع الصفات را پیدا کرد  
پس اختلاف در الفاظ و عبارات و اسم گذاری است  
عبارت تناسلی و حسنک واحد

وکل الی ذاک الجمال تشریح

ما بیاری پروردگار در این صفحات عقاید  
اقوام و آراء دیگر ادیان را بطور خلاصه به مهدی و  
مصلح کل بیان می کنیم تا کلاماً برای همه  
روشن شود که زمانی نبوده که بشر عقیده به آن داشته  
و خواستار یک فرد مصلح جهانی نباشد و اگر کسی بعد  
از برآیند عقلی و نقلی انکار اصل موضوع کرده  
و عقیده به آن نداشته باشد به حکم عقل و وجدان  
یا از راه عناد و لجاج است و یا انگیزه مادی و  
ریاست طلبی وی را به آن واداشته است.

اینک ابتداء آیاتی چند که بقیام مهدی تأویل  
شده بعد از روایات وارد و سپس دلائل عقلی و اقوال  
ملل و ادیان را در باره منجی و مصلح کل ذکر  
می کنیم و پس از اثبات اصل مهدویت مختصری از  
حالات آنحضرت از ولادت تا زمان حکومت جهانی اش

ووظیفه شیعیان در زمان غیبت و قسمتی از علائق  
آخر الزمان و بعضی از کسانی را که موفق بزیا رتیش  
شده اند بیان خواهم کرد.



## حضرت مهدی (ع) قرآن

۷۴ آیه مستقیماً به قیام حضرت مهدی عجل تاویل شده و در کتب معتبره مانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر فرات کوفی و تفسیر عیاشی و خصال و ثواب الاعمال و اکمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی و کافی و نهج البلاغه و جامع الاخبار و کنز جامع الفوائد ذکر کرده اند.

آن آیات در سوره های لقمان آیه ۲۰ و حدید ۱۷، مریم ۷۶، شوری ۲۰ - ۲۱ - ۴۱ - ۴۲، قصص ۵ الذاریات ۲۳ - ۲۲ و اقصه ۱۰ ص ۸۶، هود ۱۱، فصلت ۴۵، ابراهیم ۲۲، معارج ۲۶، انعام ۲۳ - ۵۸، اسری ۸۱ فصلت ۵۳، قلم ۱۵، مطففین ۱۳، مدثر ۲۸، ۲۸، تغابن ۸، رحمن ۴۱ - ۶۴، المسجده ۲۱، نمل ۶۲، صف ۸، بقره ۱۴۸ - ۳ - ۲۱۳ - نور ۵۵، حج ۳۹ - ۶۰ - ۴۱ - هود ۸، اسری ۴ - ۵ - نحل ۴۵ - ۸۴ - ۱۲۰، برائت ۳۷ - ۵ - ۳۴ انفال ۳۹، مائده ۴، آل عمران ۱۴۰، قصص ۵ - ۲۲ جدید ۱۶ - ۱۷ - نور ۵۵ - یونس ۲۰، تکویر ۱۶، غاشیه ۱، ابراهیم ۵، ملک ۳۰، صف ۱۳، طارق ۱۶، لیل ۱، جن

۲۴، قمر ۱، عنكبوت ۱۰، الشعراء ۴، انبیاء ۱۰۵ - ۱۲  
طه ۱۱۳، فاطر ۲۴، رعد ۳۲، یوسف ۴۵، جاثیه ۲۷، ذکر شده  
ما برای تیمن و تبرک چند آیه می آوریم:

(ماء معین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است)

۱- بحارج ۵۱ ص ۵۲- اکمال الدین

عن ابی بصیر عن ابی جعفر قال: فی قول الله  
عزوجل: قل ان اصبیح ماء وکم غورا فمن یتیکم  
بماء معین فقال هذه نزلت فی القائم الخ.  
ابی بصیر از امام باقر (ع) روایت کرده در قول  
خداوند "قل ان اصبیح ماء وکم غورا" فمن یتیکم  
بماء معین (فرمود: این آیه در باره امام قائم  
(ع) نازل شده است.)

(( غیب منتظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است ))

۲- اکمال الدین

عن یحیی بن ابی القاسم قال سئلت الصادق (ع)  
عن قول الله عزوجل: الم ذالک الکتاب لاریب فیه



هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب . فقال :  
المتقون شيعة علي (ع) واما الغيب فهو الحجة  
الغائب وشاهد ذلك قول الله تعالى ويقولون  
لولا نزل عليه آية من ربه فقل انما الغيب لله  
فانتظروا انا معكم من المنتظرين .

يحيى بن ابوالقاسم ميگويد : ازا ما صادق (ع)  
پرسيدم : در باره قول خدا وندا لم ذلك الكتاب  
لاريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب  
فرمود : مراد از متقين در اين آيه شيعة علي (ع) است  
واما منظورا ز غيب همان حجت غايب است وشاهد  
بر اين قول خدا وندتعالى است ويقولون لولا نزل  
عليه آية من ربه فقل انما الغيب لله فانتظرو  
انا معكم من المنتظرين .

(( حضرت مهدي منت خدا بر مستضعفين ))

### ۳- غيبت شيخ طوسي

عن علي عليه السلام في قوله تعالى ونريدان  
نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة  
ونجعلهم الوارثين قال : هم آل محمد يبعث الله  
مهديهم بعد جهدهم فيعزهم ويذل عدوهم .

از امیرالمومنین (ع) درباره آیه و نریسد ان  
نمن الخ روایت شده فرمود مرا دا ز آنان (کسانی  
که استضعاف شدند و خداوند آنرا پیشوا یگان  
و وارثین قرار می دهد) آل محمد هستند خداوند  
مهدی آنرا بعد از کوشش و مشقت شان برمی انگیزد  
و آنها را عزیز و دشمنانشانرا ذلیل می کند.

امت معدوده اصحاب مهدی عج

#### ۴- تفسیر عیاشی

عن ابی عبد الله فی قول الله "ولئن اخرجنا  
عنهم العذاب الی امة معدودة" یعنی "عدده کعدده بدر  
قال یجمعون له فی ساعة واحدة قزعاً کقزع الخریف  
از امام صادق (ع) در قول خداوند "ولئن اخرجنا  
عنهم الخ روایت شده که تعداد نفرات (یعنی  
نفرات و اصحاب قائم عج) به تعداد نفرات بدر است  
فرمود آنان برای آنحضرت در یک ساعت جمع میشوند  
همانند جمع شدن ابرهای پراکنده.



روایات خاصه و عامه در باره حضرت مهدی عج

۱- بحارج ۵۱ ص ۶۵ عیون اخبار الرضا  
از امام رضا (ع) از پدرانش (ع) نقل کرده فرمود:  
رسول الله (ص) فرمود روز قیامت برپا نمیشود تا  
قائم از ما قیام کنند و این قیام هنگامی انجام  
میگیرد که خدای عزوجل اذن بدهد کسیکه از او پیروی  
کردنجات پیدا می کند و هر که از او تخلف کند  
هلاک میشود.

بندگان خدا را در نظر بگیرد و نزد او بیاید  
اگر چه بر روی یخ راه بروید چون او خلیفه خدای  
عزوجل و خلیفه من است.

(مهدی عجزند فاطمه است)

۲- امالی مفید: رسول الله ص در حال مرضش به  
فاطمه (ع) فرمود: قسم به آن که جان من در دست اوست  
این امتنا چا راست از مهدی او قسم بخدا از فرزندان  
تست.

یا ران مهدی در غیبت بزرگوارترین  
امت در قیامت

۳- اکمال الدین، رسول الله (ص) فرمود خوشا  
بحال کسیکه قائم اهل بیت مرا درک کند و او را در  
زمان غیبت اش قبل از اینکه قیام کند ما مخدود  
قرار بدهد و دوستانش را دوست و دشمنانش را دشمن  
بدارد آنان رفقای من و صاحبان دوستی من و  
بزرگوارترین امت در نزد من در روز قیامت هستند.

منکر مهدی همچون منکر پیا مبر (ص)

۴- اکمال الدین، رسول الله (ص) فرمود: کسیکه  
قائم که از فرزندان من است را انکار کند در حقیقت  
مرا انکار کرده است.

منکر مهدی بمرگ جاهلیت مرده

۵- اکمال الدین: رسول الله (ص) فرمود: کسیکه  
قائم از فرزندان من را در زمان غیبت اش انکار کند  
با مردن جاهلیت از دنیا رفته است.



خروج مهدی (ع) در آخر الزمان

۶- غیبت شیخ طوسی - رسول الله فرمود: مهدی (ع) در آخر الزمان خروج میکند.

عدالت مهدی پس از ظلم‌جها نسی

۷- رسول الله ص! اگر از دنیا یک روز باقی بماند خدا وند آن روز را طولانی میکند تا اینکه مردی از اهل بیت من خروج و زمین را پر از عدل و داد کند و هر کس که پیرا ظلم و جور شده.

مهدی از عترت پیا مبر (ص)

۸- ام سلمه گفت شنیدم رسول الله (ص) می فرمود: مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه (ع) است.

مهدی هم‌نام و هم‌خلق پیا مبر (ص)

۹- البرهان هندی ص ۹۲، رسول الله ص فرمود: مردی از اهل بیتم خروج می‌کند اسمش موافق اسم

من وخلق او هما سند خلق من است ورمیین را پسران  
عدل و داد می کنند هما نگونه که ا ز ظلم و جور پیر شده  
است .

مهدی از آل محمد (ص)

۱۰- الیرهان ص ۹۵، علی علیه السلام فرمود:  
مهدی یکنفرا زما وافرزندان فاطمه است .



((دلیل عقلی بر وجود مهدی عج))

اگر طرف بحث ما کسی است که اصلاً "عقیده به ما وراء طبیعت ندا ردیدیهاست که با چنین کسی با یداز قسمت های ابتدائی اصول عقاید یعنی اثبات مانع و نبوت سخن گفت و اگر بحث ما با کسی است که اصول دین را قبول دارد در این صورت معلوم است که وجوب امامت در هر حال و هر زمان ثابت است زیرا بشر غیر معصوم نمیتواند از امام معصوم ظاهر (ع) یا غایب خالی باشد و تا بحال کسی که ادعای امامت و مهدویت کرده اند نه تنها دارای عصمت نبوده اند که اکثر آنها از فساد و ستمگران بوده اند با این مقدمه ما به کسی برخورد نکردیم که عصمت اش قطعی باشد و کسی که از کیسای نیه و نا و وسیه و فطحیه و واقضیه ادعای عصمت کرده و غایب هستند بطلان قولشان در محل خود ثابت شده پس آن امام معصوم که وجودش لازم و در مرآت و منظر عموم نیست قطعاً غائب و از نظر ما مستور است و از اینجا درمی یابیم که امامت مهدی موعود ابن الحسن العسکری مسلّم و غیبت و ولایت اش قطعی است .

(( عقايد و اقوال ملل واديا ندر باره ))

مصلح كل يعنى مهدي

- ۱- نصارى : ما هدى (مهميد) ظهور مي كند و عالم را متصرف ميشود
- ۲- يونانيان : نجات دهنده دنيا (كالوپيرك) ظهور مي كند
- ۳- اقوام اروپاي مركزي : (بوخص) ظهور مي كند و دنيا را متصرف ميشود
- ۴- ايرانيان باستان : گزرا سياه زكابل قيام خواهد كرد
- ۵- برهمنان : درپايان دنيا و يشنوقيا م مي كند
- ۶- نژاد اسلاو : از مشرق يكنفرقيا م مي كند
- ۷- نژاد انگلساكسون : آرتورا از جرزيه آلوان ظاهرميشود و بر دنيا مسلط ميگردد
- ۸- فيلسوف پتاگوتب و وزير سلسله پنجم فرا عنه مصر : سلطاني دا دگرخواهد آمد كه جنگ هاي طبقاتي را از بين مي برد و مردم را به آراش خواهد رساند اما بدانيد كه او نيرويش ديده نميشود و وجهان را با آن نيرو مسخر مي كند .
- ۹- اي پوور : روزي خواهد آمد كه ديگر نبردي بروز نمي كند و آن بسبب پادشاهي دا دگر درپايان جهان

- ۱۰- اسن ها : پیشوائی ظهور می کند که دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود
- ۱۱- سلت ها : پس از بروز آشوبها در جهان "بوریا بوریه" قیام خواهد کرد و دنیا را متصرف میشود
- ۱۲- اقوام اسکان دنیا وی : برای مردم زمین بلاهائی می رسد و جنگ عالمگیر زندگی اقوام را مضحمل میسازد آنگاه "اودین" با نیروئی بر همه پیروزمی گردد
- ۱۳- قسمتی از یک لوح در اهرام مثلثه مصر که در سال ۲۷۰ هـ بوسیله احمد بن طولون حکمران مصر کشف و توسط اسقف حبشه خوانده شد : من ریان دومغ هشتم... روزی فرامی رسد که که فرستاده پروردگارم قفلها از این اسرار بگشاید و کسی است که در پایان دنیا در اطراف خانه خدا پدیدار می گردد و این بر ابی را مسخر میشود
- ۱۴- چینیها : "گریشنا" ظهور می کند و جهان را نجات می دهد
- ۱۵- اقوام امریکای مرکزی : نجات بخش دنیا "کوتزلکوتل" پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد
- ۱۶- گفتاری از سطح (ربیع ما زن) : هنگامی که اشرار به جاه و مقام برسند ستاره دنیا لهه دار طلوع



می‌کند و پرچم‌های زرد به مصر خواهد رسید و .....  
و پادشاه صنعا که نامش حسین است قیام می‌کند  
در این هنگام مهدی از فرزندان محمدپیا مبرا سلام  
در مکه ظهور می‌کند و بوسیله‌ها و حق آشکار می‌گردد.

۱۷- زرتشت کتاب زند: لشگرا هریمنا ن بـ  
ایزدان در روی خاکدان داثما معا ربه و کشمکش  
دارند و... بعد از پیروزی ایزدان بنی آدم بر  
تخت نیکبختی خواهد نشست

سوشیانت "نجات دهنده دنیا" در پایان هزاره  
سوم زرتشتیا ظهور می‌کند و دین را بجهان رایج  
می‌نماید

۱۸- مانی: مردی عظیم‌خواهد آمد که دوا زده  
جانشین دارد و بوسیله آنها ارواحی که شایستگی  
دارند به بهشت می‌روند

۱۹- کتب هندریک ودا: (ماندالای ۴-۱۳) بر  
گزیده بصورت فردا اول در میان مردم زمین ظاهر  
خواهد شد

۲۰- بابک: دور دنیا بیادشاهی عادل پایمان  
می‌یابد که از آسمان وزمین آنچه که باشد خبیر  
می‌دهد

۲۱- دادنگ: بعد از آنکه مسلمانان ظهور نمایند  
جانشین آخر ممتاها پدیدار می‌گردد که مشرق و مغرب

عالم را متصرف می‌شود

۲۲- ادریس نبی: به شیطان مهلت داده شد تا روزی که وقت آن معلوم است که در آن هنگام مدرندگان با گوسفندان جمع میشوند

۲۳- صنفنیای نبی: روز خدا فرامی‌رسد آواز آسمانی را همه خواهند شنید

۲۴- حبقوق نبی: منتظرا و با شید جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند

۲۵- تورات: سفر پیدایش: زمین را بیکس از اولاد ابراهیم می‌دهیم اگر کسی غبار زمین را بشمارد ذریه‌ها و را خواهد شمرد- از نسل اسماعیل دوازده رئیس بوجود خواهد آمد و در پادشاه جهان از نسل ابراهیم بوجود خواهد آمد و در- پس از آمدنش امت‌ها به او خواهند پیوست

۲۶- کتاب سموئیلی بنی: او از فرزندان یسعی (جد نرجس خاتون مادر حضرت مهدی) میباشد

۲۷- کتاب ایوب نبی: شخصی پنهان را از نا پیدا می‌کند و می‌کند

۲۸- زبور داود: خداوند مرد صالحی را برای جهان برگزیده خواهد کرد که در دنیا بعد از او آوری خواهد

کرد خروشش تا اقصای زمین است عدالت را مثل نور  
و انصاف را مثل ظهر پدید می آورد پس منتظرا و باشید  
تمام ملوک با و کرنش خواهند کرد و تمام امم او را  
بندگی می کنند

۲۹- کتاب سلیمان "امثال" : جها نرا بعدا لت  
دا وری خوا هد کرد

۳۰- اشعیای نبی : مسکینا نرا بعدا لت  
دا وری خوا هد کرد- در پرتو عدالتش جا نورا ندرنده  
با هم صلح خواهند کرد- در آن روز خواهند گفت  
اینست کسی که منتظرش بودیم- عمرش خیلی طولانی  
خواهد بود

۳۱- آرمیای نبی : بسبب این احسان خدا تمام  
امت ها هدایت خواهند شد

۳۲- حزقیای نبی : خدا وندا ورا بر جمیع ملت ها  
سلطان خواهد کرد

۳۳- دانیال نبی : آن کس که ملبس به کتبان  
است غیبتش در مدت یک زمان و دوزمان و نصف  
زمان طول خواهد کشید و در مدت غیبت در منصب خود  
قائم است

۳۴- هوشع نبی : یک سلطان برای تمام ملت های  
جهان از طرف خدا وندخواهد آمد

۳۵- یوئیل نبی : او مانند چشمه ای در خانه خدا



می آید و تما م زمین را سیراب می کند

۳۶- عوبدیای نبی : بشارت ظهور را و را بر امت

ها ندا کن

۳۷- انجیل برنا با : خدا وند فرستاده خود را

در حالیکه ابری سپید بالای سرش میباید شد خوا هـ  
فرستاد

۳۸- انجیل لوقا : فرستاده خدا مدت ها از نظر شما

پنهان میشود خوشحال کسانیکه وقتی سرورشان  
می آید بیدار باشند

۳۹- انجیل متی : پسرانسان در جلال پدر خود

می آید- امت ها در حضورش جمع میشوند

۴۰- انجیل یوحنا : او اعمال مرا نگه میدارد و او

را بر امت ها قدرت می بخشم عیسی گفت پسرانسان با

جلالی بزرگ می آید- قبل از وقوع می گویم تا

زما ینکه واقع شود باور کنید- شنیده اید که

گفتم می روم و با او می آیم

۴۱- رساله اول یوحنا : منتظرا و باشید تا در

ظهورش خجل نشوید

۴۲- رساله اول پولس به رومیان : انتظارا

وجودا و مانند ظهورا واست

۴۳- کتاب اعمال رسولان مسیح : داد در باره

وی می گوید که بدین سبب دلم شا د گردیده

- ۴۴- رساله پطرس (۲) :خواهید گفت که او کجا  
است ولی غافل هستید زیرا کلام خدا از قدیم  
بود و در زمین قائم است
- ۴۵- رساله یعقوب :هر کس با شک کند ما ننند  
موج دریاست که از با در آمده میشود و متلاطم می گردد
- ۴۶- رساله پولس به عبرانیان :خداوند  
آنکسی را که پنهان می گردد بازمی آورد
- ۴۷- رساله اول پولس به تیموذا ووس :خداوند  
او را در زمانی معلوم ظاهر می کند
- ۴۸- رساله دوم پولس به تیموذا ووس :اگر تحمل  
کنیم با او سلطنت خواهیم کرد و هرگاه او را نگاه کنیم  
ما را می نگرد
- ۴۹- رساله دوم پولس به تسالونیکیان :هنگامی  
که بیاید جمیع مقدسان به او و جلال خواهد نمود
- ۵۰- انجیل مرقیس :او با هزاران هزار  
مقدسین خواهد آمد- اگر کسی بگوید اینجاست  
با ورنه نکیند

## مقدمه ولادت حضرت مهدی عج

داستان دختر قیصر روم، مادر حضرت مهدی عج

روزی امام علی نقی (ع) بشر بن سلیمان برده  
فروش را که از شیعیان خاص و همسایه آنحضرت و از  
فرزندان ابویوب انصاری بود حضورش طلبید  
و نامه‌ای با خط و لغت فرنگی نوشته و مهر کرد  
و با یک کیسه زور محتوی دویست و بیست اشرفی به  
او داد و فرمود: برو بغداد دو وقتی کشتی‌های اسیران  
بساحل رسیدند به کنیزان عمرو بن یزید نظر کن  
کنیزی که فلان و فلان صفت را دارد و جا مه حریر آکنده  
پوشیده است و از نظر کردن و دست گذاشتن مشتریان  
امتناع می‌کند و با زبان رومی می‌گوید و ای کس  
پرده عفت دیده شد، یکی از مشتریان می‌گوید من او  
را بخاطر عفتش به سیصد اشرفی می‌خرم آن کینز  
با زبان عربی گوید اگر بزی سلیمان ظاهر شوی و  
پادشاهی او را بیابی من بتو رغبت نخواهم کرد  
مال خود را ضایع مکن برده فروش می‌گوید چاره‌ای  
نیست که باید ترا بفروشم و تو هیچ مشتری را ضعی  
نمیشوی آن کنیزک می‌گوید چقدر تعجیل می‌کنی  
البته باید مشتری بهم رسد که دل من بها و میل کند  
و اعتماد بیروفا و دیانت او داشته باشم



در این هنگام بما حب کنیز بکوا این نامه را به  
آن کنیز بده که بخواند اگر بما حب این نامه  
راضی شود من از طرف آن بزرگوار و کیلتم که این  
کنیز را برای او خریداری کنم بشرین سلیمان  
گفت که آنچه حضرت فرموده بود واقع شده من گفتم  
کنیز نامه را نظر کرد بسیار گریست و بعمر و بن یزید  
گفت که مرا بما حب این نامه بفروش و سوگندهای  
عظیم یا دگر که اگر مرا به او بفروشی خود را هلاک می  
کنم با لایحه همان کیسه اشرفی را دادم کنیز را گرفتم  
و بحجره آوردم کنیزش دو خندان نامها ما را میبوسید  
و به چشمانش می چسباند و به سرو صورت بدنش می  
مالید از وی تعجب گفتم نامها یکده ما حبش نمی  
شناسی برای چه میبوسی و بخود می مالی کنیز گفت  
ای کم معرفت توجه کن و کوش فرا بده تا احوال خود  
را برای تو شرح بدهم

من ملیکه دختریشوعای فرزند قیصر پادشاه  
روم و ما درم ز فرزندان شمعون بن حمون بن  
الصفای وصی حضرت عیسی (ع) است

جدم قیصر در سیزده سالگی مرا بعقد فرزند برادر  
خود در آورده و سیصد نفر از نسل حواریون عیسی و  
علماء و عباد دنیا ری و هفتصد نفر از صاحب مقام و  
منصب و چهار هزار نفر از امراء و سرداران سپاه

جمع کرد و تخت مرصع به آنوا عجاوهر با چهل پایه  
تعبیه کرد و بتها و چلیپاها را بر بلندیهای تخت  
قرار داد و پسر برادر خود را بر بالای تخت نشانید  
همین که کشیشان خواستند آنجلیها را بدست  
بگیرند و بخوانند بتها و چلیپاها سرنگون و پایههای  
تخت خراب و تخت بر زمین افتاد و پسر برادر ملک  
از تخت سرنگون و بیهوش شد در آنحال رنگ کشیشان  
متغیر و اعضایشان لرزید جدم بعلم و کشیشان دستور  
داد این بساط دو باره برقرار کرده و برادر دیگر  
داماد را بجای او قرار دادند تا مرا به او تزویج  
کنند و باره تحت سرنگون و قضیه قبلی تکرار شد  
این واقعه را نحوست و اما دانستند چون از سر این  
کار خبرنداشتند که این سعادت سرور و بزرگواری نه  
نحوست آن دو برادر

بهر حال مردم متفرق شدند و جدم غمناک و خجالت  
زده بحرمسرا، بازگشت چون شب شد بخواب رفتیم  
در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و جمعی از  
حواریین در قصر جدم جمع شدند و منبری از نور که از  
رفعت به آسمان سربلندی می کرد درهما نجا  
که تخت را گذاشته بودند نصب کردند و حضرت  
رسول اکرم محمد (ص) با وصی و دامادش علی بن  
ابیطالب (ع) و جمعی از امامان و فرزندان

بزرگوارش قصر را بقدم خویش منور ساختند حضرت  
مسیح به استقبال رسول الله شتافت و دست در  
گردن او انداخت آنگاه رسول الله فرمود :  
یا روح الله آمله ایم ملیکه فرزندوصی تو شمعون را  
برای این فرزند سعادتمند خود خواستگاری کنیم  
و اشارة فرمود به ما محسن عسگری (ع) فرزند  
کسیکه تونا مہاش را بمن دادی پس رسول الله  
ص خطبہای انشاء فرمود و با حضرت مسیح مرا بسے  
اما حسین عسگری عقد بستند .

از خواب بیدار شدم و از ترس خوابم را بحیثیت  
نگفتم روز بروز آتش محبت خورشید اما مت در دلم  
مشتعل میشد و صبر و قرا را ز من می گرفت تا حدی کہ  
خوردن و آشامیدن بر من حرام شد هر روز چہرہ ام از  
زردی و ز بدنم کاسته میشد و آثار عشق نہانی در بیرون  
ظاہر میشد جدم مرا بہمہ طبیبان روم عرضہ کرد و دردم  
را دوا نشد تا از خودم پرسید کہ آیا درد دل آرزوئی هست  
گفتم ای جدمن درہای فرج بستہ اگر شکنجہ و آزار  
مسلمانان را کہ در زندان تو هست دفع و آنا نرا  
آزاد کنی امیدوارم حضرت مسیح عافیتی بمن  
ببخشد چون چنین کردا ندک صحتی از خود ظاہر کردم  
و مختصر طعمای خوردم جدم خوشحال شد

بعدا زچہا رده شب در خواب دیدم بہترین زنان



عالمیان فاطمه زهرا عبدیدن من آمده و حضرت  
 مریم با هزار کنیز از حوریان بهشت در خدمت  
 آنحضرت است حضرت مریم بمن گفت این خانم  
 بهترین زنان و مادر شوهر تو اما محسن عسکری است  
 باشنیدن اسم مبارکش دست بدامنش انداخته و  
 گریستم و شکایت کردم که اما محسن بمن جفا می کند  
 و از دیدن من امتناع می کند فرمود اگر می خواهی  
 حقتعالی و مریم از تو خوشنود گردند و اما محسن  
 بدیدن توبیا بدبگو و شهدان لا اله الا الله و ان محمد  
 رسول الله این دو کلمه را گفتم حضرت سیده النساء  
 مرا بسینه چسباند و مرا دلداری داد و فرمود اینک  
 منتظر آمدن فرزندم باش من او را بسوی تو می فرستم  
 بیدار شدم و آن دو کلمه در زبانه بود شب آینه  
 بخواب رفتم خورشید جمال آن حضرت طالع گردید  
 گفتم ای دوست من بعد از آنکه دلم را اسیر محبت خود  
 گردانیدی چرا از دوری خود مرا جفا می کنی فرمود :  
 دیر آمدن من نزد تو برای شرک تو بود اکنون که  
 مسلمان شدی هر شب به نزد تو خواهم بود تا آنکه  
 حق تعالی ما و ترا در ظاهری یکدیگر برساند پس از  
 آنشب یکشب نگذشته است که در دهجران مرا بشربت  
 وصال دوانفرماید .

بشرین سلیمان گفت چگونه در میان اسیران

افتادی گفت: اما محسن عسگری (ع) در شبی از  
 شبها بمن خبر داد که در فلان روز جدت لشگری بجنگ  
 مسلمانان می فرستد تو خود را در میان خدمتگاران  
 و کنیزان بینداز به هیئتی که ترا نشنا صد چنین کردم  
 لشکر مسلمانان بما خوردند و ما را اسیر کردند و آخر  
 کار من آن بود که دیدی و تا حال کسی بغیر از تو  
 ندانسته است که من دختر پادشاه روم

بشرمی گوید: من او را بخدمت امام علی نقی (ع)  
 بردم اما مبهما و فرمود می خواهم ترا گرامی بدانم  
 ده هزار شرفی بدهم یا ترا بشرف ابدی بشارت دهم  
 کدا میک نزد تو بهتر است عرض کرد بشارت به شرف  
 را می خواهم و مال نمی خواهم حضرت فرمودند  
 که بشارت باد ترا بفرزندی که پادشاه مشرق و مغرب  
 عالم شود و زمین را پراز عدل و داد کند بعد از آنکه  
 پراز ظلم و جور شده باشد گفت این فرزند از چه کسی  
 بوجود خواهد آمد فرمود از کسی که حضرت رسول ص  
 ترا برای او خواستگاری کرد پس از او پرسید که  
 حضرت مسیح (ع) و وصی او ترا بعقدگی در آورد گفت  
 بعقد امام حسن عسگری (ع) حضرت فرمود: که آیا  
 او را می شناسی؟ گفت از آن شبی که بدست  
 بهترین زنان مسلمان شدم شبی نگذشته است که او  
 بدیدن من نیا مده باشد حضرت حکیمه را طلبید

وبها وفرمود که این آن کینز است که می گفتیم  
ای دختر رسول خدا (ص) او را ببر بخانه خود و واجبات  
وسنت ها را با و بیا موز که او زن حسن عسکری و مادر  
صاحب الامر (ع) است .

روزی امام علی نقی (ع) فرمود: ای حکیمه نرجس را  
برای فرزندم بفرست حکیمه خواتون عرض کردند  
آدم ما جا زه بگیرم فرمود خدا می خواهد ترا در چنین  
ثوابی شریک کند و ترا واسطه چنین امری فرمود  
حکیمه می گوید به منزل آدم و زفاف آنها را در خانه  
خود واقع ساختم و بعد از چند روز هر دو آنها را خدمت  
امام علی نقی بردم چند روزی گذشت و امام علی نقی دار  
دنیا را ودا نمود .

(( داستان ولادت با سعادت حضرت ))

مهدج عـج

قدحاً ز شعبان عظیم الشرف

من معدن اللطف الجلی والخی

بشراک یا فاتحة الوجود

یخا تم الو الایة الموعود

والله کل ما یشاء یمهدی

بنوره والنور نور المهدی

اشهر اقوال آنست که ولادت با سعادت آن حضرت

در شب جمعه یا نهم شعبان ۲۵۵ هـ ق نزدیک صبح  
در سر من رای واقع شده و بیان مختصر آن طبق  
نقل محدث قمی از ابن بابویه و شیخ طوسی و  
سید مرتضی بسندهای معتبر چنین است:

حضرت حکیمه خاتون می گوید من طبق عادت مقرر  
زمان پدر خدمت اما محسن عسگری می رسیدم یک روز  
در حضورش بودم تا وقت غروب شد قصد کردم بمنزل  
خودم بروم اما محسن عسگری فرمود ای عمه! مشب  
نزد ما باش که مشب فرزندگرا می (که خدا بوسیله  
او زمین را بعلم و ایمان و هدایت زنده می کند  
بعد از آنکه بشیوع کفر و ضلالت مرده باشد) متولد  
میشود. گفتم: ای سید من این فرزندان کسند ام زن  
متولد میشود من که در نرجس هیچ اثر حمل نمی بینم  
فرمود: که از نرجس بهم می رسد نه از دیگری. من  
دو باره پشت و شکم نرجس را ملاحظه کردم اثری از حمل  
نیا فتم برگشتم عرض کردم حضرت تبسم کرد و گفت:  
چون صبح میشود اثر حمل بر او ظاهر میشود مثل او  
مثل مادر موسی است که در هنگام مولادت هیچ تغییری  
بر او ظاهر نشد و احدی بر حال او مطلع نگردید.  
حکیمه گفت من به نزد نرجس رفتم و این حال را به او  
گفتم گفت ای خاتون هیچ اثری در خود مشا هـ  
نمی کنم بهر حال شب در آنجا ماندم و افطار کردم



و نزدیک نرجس خوا بیدم در هر ساعت از او خبر می  
 گرفتم و او بحال خود خوا بیده بود هر ساعت حیرت من  
 زیاد میشد در این شب بیش از شب های دیگر به تهجد  
 برخاستم نماز شب را ادا کردم چون بنما زوتر رسیدم  
 نرجس از خواب جست و وضو ساخت و نماز شب را بجای  
 آورد در این هنگام صبح کاذب طلوع کرده بود نزدیک  
 شاد زو عده حضرت شکی در دلم ایجاد شود تا گاه امام  
 حسن (ع) صدا زد که شک مکن که وقتش نزدیک است  
 در این وقت اضطرابی در نرجس دیدم و او برگرفتم  
 و نام الهی را بر او خواندم حضرت صدا زدند که سوره  
 انا انزلناها فی لیلۃ القدر را برا و بخوان من از  
 نرجس پرسیدم در چه حالی گفت: آنچه مولایم فرموده  
 اثرش بر من ظاهر شده شروع کردم بخواندن انشا  
 انزلنا شنیدم که آن طفل در شکم ما در در خواندن با  
 من همراهی می کرد و بمن سلام کرد من ترسیدم  
 حضرت صدا زد از قدرت حق تعالی تعجب نکن در این  
 هنگام نرجس از دیده من غائب شد گویا پرده میان  
 من و او حائل گردید فریادکنان بسوی امام حسن  
 عسگری دویدم حضرت فرمود: ای عمه برگرد که او  
 را در جای خود خواهی دید چون برگشتم پرده گشوده  
 شد و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد  
 و حضرت صاحب (ع) را دیدم که رو بقبله بسجده افتاده

بزانوها وانگشتان سبا به را به آسمان بلند کرده  
ومی گوید: اَشْهَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ  
وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِي  
رَسُولِ اللَّهِ.

پس یک یک اما مان را شمردتا بخودش رسید  
فرمود اللهم انجز لي وعدي واتم لي امري وثبت  
وظاتي واملأ الارض بي عدلا وقسطا - ونوري ازا وبه  
آسمان بالا رفته بودا ما حسن عسکری مرا صدا زد:  
ای عمه فرزند مرا نزد من بیا را ورا در آغوش گرفتم  
دیدم مختون و ناف بریده و در با زوی راستش نوشته  
بود جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان  
زهوقا آن فرزندتا چشمش به پدرا فتا سلام کرد  
حضرت زبان مبارک بر چشمان و دهان و دو گوشش  
گردانید و دست بر سرا و مالید و گفت ای فرزند بیه  
قدرت الهی سخن بگو صاحب الامر عج استعاذه کرد  
وگفت بسم الله الرحمن الرحيم ونريد ان نمن على  
لذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم  
لوارثين ونمكن لهم في الارض وتري فرعونوها مان و  
عنودهما منهم ما كانوا يحذرون. بعد صلوات بر رسول  
الله ص و امير المؤمنين (ع) و همه اما مان فرستاد  
نگاه مرغانی بر سر مبارک آن حضرت ظاهر شدند  
یکی از آن مرغها قنداقهاش را برداشت و پروا ز کرد

حضرت فرمود ساکت باش که غیراً زیستان توشی  
نخواهد خورد و بزودی آنرا بسوی تو برمی گردانند  
آن مرغ که او را بر در روح القدس بود.

دوران تربیت آنحضرت تا پنج سالگی در کفالت  
پدر بزرگوارش و بروح القدس سپرده شده بود در این  
مدت مخفی از همه می زیست مگر بعضی از خواص که او  
را در ایام کودکی مشاهده می کردند.

در سال دویست و شصت که پدر بزرگوارش بزهر  
معتد عباسی شهید شد اما مت به حضرتش منتقل  
گردید و تا کنون که بیست و یکم شهر رجب ۱۴۰۱ قمری  
است یکم روز و یکصد و چهل و شش سال الا ۲۴ روز از  
سن شریفش می گذرد.

(( اسماء و القاب شریف حضرت ))

مهدی عـجـ

محدث قمی از نجم الثاقب محدث نوری یکصد و هشتاد  
و دو اسم برای آن حضرت ذکر کرده که از جمله آنها  
است

بقیه الله که وقتی که خروج کرد به کعبه تکیه میکند  
و اول سخنی که می گوید این آیه است بقیه الله  
خیر لکم ان کنتم مومنین.

- ۲- حجة: که در بیشتر ادعیه و اخبار باین اسم ذکر شده و نقش خاتم آن حضرت انا حجة الله است.
- ۳- خلف و خلف صالح که بمعنی جانشین است. چون آنحضرت جانشین جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته است.
- ۴- شریذ بمعنی آوار و در بدر است ۵- غریم ۶- قائم ۷- م ح م د صلی الله علیه و آله و علی آباءه و اهل بیته ۸- مهدی که اشهر القاب آنحضرت است ۹- منتظر که همه خلائق منتظر مقدم مبارک او هستند ۱۰- ماء معین.

### خصوصیات حضرت مهدی (ع)

- ۱- نور آنحضرت در میان انوار ائمه ع ما ننسده ستاره درخشان در میان کواکب است.
- ۲- شرافت نسب از طرف پدر که واضح است و از طرف مادر بقیا صره روم و شمعون الصفا، وصی حضرت عیسی منتهی میشود.
- ۳- در روز ولادت آنحضرت را بسرا پرده عرش بردند و از طرف حق تعالی خطاب شد مرحبا بتسوی ای بنده من برای نصرت دین من و اظهار امر من و مهدی عباد من.



۴- در روایت است که برای صاحب این امر خانه ایست که او را بیت الحمد گویند.

۵- میان کتیه و اسم رسول الله ص برای آن حضرت جمع شده است.

۶- بردن نام آن حضرت منع شده.

۷- وصایت و حجت در روی زمین به آن حضرت ختم شده.

۸- از روز ولادت غیبت کرده و بروح القدس سپرده شده و در عالم نور و فضای قدس تربیت شده و مجالست و موآنست با ملاء اعلی و ارواح قدسیه وارد.

۹- از روز ولادت با کفار و منافقین و فاسق تا کنون مصاحبت و معاشرت نکرده و دست ظالمی بسه دامانش نرسیده و از منازل آنها کناره گرفته.

۱۰- بیعت احدی از جباران در گردن آن حضرت نبوده و نیست.

۱۱- در پشت آن حضرت علامتی مثل علامت پشت رسول الله ص که آنرا ختم نبوت گویند است.

۱۲- در کتب سماویه و اخبار معراجیه بین سایر اوصیاء ع آن حضرت را با لقب ذکر کرده و اسم شریفش را نبرده اند.

۱۳- برای ظهور آن حضرت آیات غریبه و علامات سماویه و رضیه ظاهر میشود که برای تولد و ظهور

هیچ حجتی نشده.

۱۴- نزدیک ظهور منادی آسمانی با اسم آن حضرت ندا می کند.

۱۵- در زمان حکومت آنحضرت افلاک از سرعت سیر می افتد و با آرامش حرکت می کند.

۱۶- مصحفی که امیرالمومنین (ع) بعد از وفات رسول الله ص جمع کرده و مخفی بود ظاهراً همیشه.

۱۷- ابرسفیدی همیشه بر سر آنحضرت دیده میشود.

۱۸- فرشته و جن در میان لشکر آنحضرت دیده میشوند.

۱۹- طول روزگار و گردش شب و روز و سیر فلک در مزاج و اعضاء و صورت و هیئت آنحضرت تا ثیر نمی کند بطوریکه هنگام ظهور بصورت مردسی یا چهل ساله باشد.

۲۰- از میان حیوانات وحشت و نفرت می رود و آنها بهمدیگرو به انسانها آسیب نمی رسا ننند.

۲۱- جمعی از مردگان در رکاب آنحضرت حاضر می شوند که از جمله آنها بیست و هفت نفر از اصحاب موسی و هفت نفر از اصحاب کعب و یوشع بن نون و سلمان و ابان و ابودجانها نصاری و مقداد و مالک اشتر و آنان حکام بلاد می شوند و هر که چهل صبح دعای عهد (( اللهم رب النور العظیم )) را بخواند از زیاران

آنحضرت است و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیورد  
خداوند او را از قبر بیرون می آورد.

۲۲ - زمین گنجها و ذخیره های خود را بیرون می  
کند.

۲۳ - باران و گیاه و درختان و میوه ها و دیگر  
نعمت های زمین فراوان میشود.

۲۴ - عقلهای مردم ببرکت وجود آنحضرت تکمیل  
میشود دست مبارکش را بر سر مردم می گذارد و کینه  
و حسد از دل های آنان بیرون می رود و علم  
در دل های مومنین جا می گیرد بطوریکه هیچکس بعلمیک  
نزد دیگری است محتاج نمیشود و تاویل آیه  
یغن الله کلا من سعه ظا هر میشود.

۲۵ - در دیده و گوشهای اصحاب آنحضرت قوت  
خارج از عادت پیدا میشود بطوریکه از چهار فرسخی  
با حضرت تکلم میکنند و بحضرت نظر می کنند.

۲۶ - اصحاب آنحضرت آنقدر عمرشان طولانی  
میشود که دارای هزار پسر میشوند.

۲۷ - ناراحتی و امراض و بلاها و ضعف از بدنهای  
یاران آنحضرت میروند.

۲۸ - هر یک از یاران آنحضرت قوت چهل میبرد  
را دارا باشد.

۲۹ - مردم بنور آنحضرت از نور آفتاب و ماهی

نیا زمی شوند.

- ۳۰- رایت رسول الله ص نزد آنحضرت است.
- ۳۱- زره رسول الله ص به اندازه قدوقا مسست  
آنحضرت که به قامت هیچ کس دیگر است نیا مده.
- ۳۲- حضرت به ابرمخصوصی که برای آن حضرت  
ذخیره شده و در آن رعد و برق است سوار میشود و  
به راههای هفت آسمان و زمین می رود.
- ۳۳- تقیه کردن از کفار و مشرکین و منافقین  
برداشته میشود.
- ۳۴- سلطنت و حکومت آن حضرت از مشرق و  
مغرب زمین و بر و بحر و کوه و و دشت را می گیرد.
- ۳۵- روی زمین از عدل و داد پرمیشود.
- ۳۶- بینه و شاهان را حدی نمیخواهد و آنحضرت  
مثل حضرت داد و دینعلم اما مت حکم میکند.
- ۳۷- احکام مخصوصه ای که تا عهد آن حضرت اجرا  
نشده بود می آورد.
- ۳۸- تمام علوم که بیست و هفت حرف است و  
پیا مبران فقط دو حرف آنرا بیرون آوردند  
آنحضرت بیست و پنج حرف دیگر را با آن دو حرف  
منتشر میکند.
- ۳۹- برای یاران آن حضرت شمشیرهای آسمانی  
می آورند.



۴۰- حیوانات انصار آن حضرت را اطاعت میکنند

۴۱- از پشت کوفه که مقر سلطنت آنحضرت است در  
نهر آب و شیر پیوسته از سنگ حضرت موسی بیرون  
می آید.

۴۲- حضرت عیسی از آسمان برای یساری آن  
حضرت نزول می کند و پشت حضرت مهدی عجل نماز  
می خواند.

۴۳- دجال که از عذابهای الهی است بدست  
آنحضرت بقتل می رسد

۴۴- هفت تکبیر به جنازه آنحضرت گفته میشود  
که بجنازه احدی جز جنازه امیرالمومنین (ع) جایز  
نبوده.

۴۵- تسبیح آنحضرت از هجدهم تا آخر ماه است  
و آن (( سبحان الله عدد خلقه الخ )) است.

۴۶- سلطنت جباران و دولت ظالمین در دنیا  
بوجود آنحضرت پایان میرسد. لکل اناس دولت  
یرقبونها - و دولتنا فی آخر الدهر یظهر

صفات امام زمان (ع)

علامات سرو صورت و اندام آن حضرت یسار از  
توصیفات رسول الله ص و امیرالمومنین و امام

با قروا ما صادق علیهم السلام است و یا از کسانسی  
است که آنحضرت را در کودکی زیارت کرده اند  
مانند سعد بن عبدالله قمی و اسمعیل نوبختی و  
یعقوب بن منقوس و ابو هرون و مردی از اهل فارس،  
و یا در بزرگی دیده اند مانند علی بن ابراهیم  
مهزیار و ابن هشام و ابو محمد و علجی.

قامت: چها رشا نه کشیده قامت نه بلند با لاونه کوتاه  
بزمین چسبیده.

صورت: خوشرو و درخشنده بطوریکه نور صورتش بر  
سیاهی موی سر و محاسن غلبه میکند.

خدوخال: دوگونه اوروان بدون برآمدگی و برگونه  
راستش خال سیاهی است.

پیشانی: گشاده پیشانی و روشن و صاف.

ابرو: گشاده و باریک و کشیده و نزدیک بهم اما  
نیپوسته.

چشم و مژه: چشمانش سیاه و درشت و فرورفته و پلکها  
درخشنده.

بینی: کشیده و بالا آمده و مختصر برآمدگی در وسط  
دارد.

دندان: دندانهایش درخشنده و دندانهای جلو گشاده

رنگ چهره: سرخگون خالص

رنگ سائبدن: گندمگون و سبزه مایل بسفیدی  
نه سیاهی.

موورنگ مو: رنگموی سر و محاسن سیاها ماننـ  
صورت غالب برسپا هی موی اوست در کودکی موهای  
سرش درخشنده و سیا ه و مجعدا مانه زیا ددر هم پیچیده  
وتا نرمی گوش از دو طرف آویزان و بروی دوش ریخته  
وا زوسط دارای فرق بود.

سرمبارک: سرمبارکش گرد و مدور و علامت ریختگی مو  
یا موهای ریز در بعضی از مواضع سر پیدا است.  
سرشانه و ما بین دوشانه: استخوان سرشانه نرم و  
بزرگ و سردوش پاشین افتاده و ما بین دوشانه  
پهن.

علامت پشت شانه: ما بین دوشانه آنحضرت از طبرف  
چپ خالی است برخلاف رنگ بدن و در زیر دوشانه  
برگی است مانند برگ یاس.

علامت پشت: در پشت مبارک دوخال است یکی برنگ  
بدن و دیگری شبیه بخال پیغمبر (ص).

بازو: بر بازوی راستش این دوا یه نوشته شده  
(جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا)  
(وتمت کلمه ربک صدقا" وعدلا" لامبدل لکلما ته  
وهو السميع العليم))

کف: کف دست آنحضرت پهن و بزرگ.

سینه تاناف: سینه پهن و فراخ و از گودال گلوتنا  
ناف مانند خطی از مو کشیده شده.

شکم: برآمدہ و بزرگ۔

ران: دوران اوپہن و پیرگوشت و برران راست خالی  
است برخلاف رنگ بدن۔

زانو: دوزا نور و بجلو آمدہ از بزرگی۔

### صفات اما مت مہدی عج

علامات و نشانیہا ئی کہ ذکر میشود ہر اما می باید  
دارا باشد و از ہر حدیثی از کتب اخبار قسمتی از آن  
استفادہ میشود و اکثر آن اخبار در جلد ہفت  
بحار باب جامع در صفات اما موشراط او در من  
لایحضرہ الفقیہ و معانی الاخبار و خصال و عیون  
و احتجاج طبرسی و اثبات الہدایہ جلد ہفتم ذکر  
شدہ است۔

- ۱- پاک و پاکیزہ و ختنہ شدہ متولد میشود
- ۲- چون از شکم ما در بزمین آید برد و کف خود قرار
- گیرد و صدا بشہا دتین بلند کند ۴- محتلم نمیشود
- ۵- چشمش بخوابد و دل او بیدار باشد ۶- او را سایہ
- نبا شد ۷- از پشت سر ببیند چنانکہ از پیش رومی ببیند
- ۸- او را خمیازہ و دہن درہ نبا شد ۹- بول و غائط
- او دیدہ نمیشود زمین او را ببلعدہ ۱۰- بوی بول و
- غائط او از عسک خوشبو تر است ۱۱- از ہمہ مردم



۱۲- از همه حلیم تر ۱۳- از همه عا بدتر  
 ۱۴- حکمتش از همه بهتر ۱۵- از همه پرهیزکارتر  
 ۱۶- از همه شجاع تر ۱۷- از همه سخی تر ۱۸- از همه  
 عا لیهتر بکتاب خدا ۱۹- تواضعش بخدا از همه بیشتر  
 ۲۰- با آنچه که امر میکند از همه عا لیهتر باشد ۲۱- از  
 آنچه که نهی می کند از همه ترک کننده تر است ۲۲-  
 بمردم مهر با نتر از خودشان ۲۳- دارای معجزه  
 باشد ۲۴- تا هنگامیکه از دنیا برود ملائکه با  
 وی سخن می گویند ۲۵- مستجاب الدعوه باشد حتی اگر  
 بر سنگی دعا کند و نینم گردد ۲۶- سلاح و شمشیر  
 پیغمبر نزد او باشد ۲۷- زره پیغمبر بر تن او است  
 آید ۲۸- مصحف فاطمه نزد او باشد ۲۹- جا معه نبرد  
 اوست و آن صحیفه ایست که طولش هفتاد ذراع و در او  
 مضبوط است آنچه بنی آدم محتاج است ۳۰- جفرا کبر  
 و جفرا صغر نزد اوست ۳۱- نزد او صحیفه ایست که در  
 وی اسامی شیعیان او تا روز قیامت ثبت است

آثار و مواردی که از انبیاء نزد مهدی (ع)

۱- تابوت آدم (ع) ۲- عصای موسی (ع) ۳- تورا  
 و انجیل و سایر کتب سماویه ۴- الواح موسی (ع)  
 ۵- پیراهن یوسف ۶- خاتم سلیمان ۷- بیرقی که  
 جبرئیل در روز بدر آورد ۸- پیراهنی که در روز احد

پوشیده بود و علامت خون هنوز در او هست ۱۰ - عما مه  
 سحاب ۱۱ - زره پیغمبر ۱۲ - انگشتر رسول الله (ص)  
 ۱۳ - عصای رسول الله ص ۱۴ - اسب یربوع ۱۵ - اسب  
 براق ۱۶ - ناقه غضباء ۱۷ - استرد لیل ۱۸ - الاغ  
 یغفور ۱۹ - ذوالفقار ۲۰ - قرآنی که امیرالمومنین  
 ع جمع آوری فرموده ۲۱ - عهدنا مه پیغمبر (ص)

### علائم ظهور و قیام مهدی (ع)

۱ - ماه و خورشید در فرمان او باشد ۲ - با دوا بر  
 های شدید در تسخیر او باشد ۳ - ابر بر او سایه  
 افکند ۴ - از آسمان بنام او ندا شود ۵ - بر عیب  
 نصرت شود ۶ - شمشیرهایی برای جنگ از آسمان نازل  
 شود ۷ - ملائکه و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل  
 او را یاری می کنند ۸ - عیسی بن مریم نزول می کند  
 ۹ - اصحاب کهف و عده ای از گذشتگان بدنیه  
 بر می گردند ۱۰ - طی الارض می کند ۱۱ - همه جای دنیا  
 را می بیند ۱۲ - هر مشکلی برای او آسان باشد  
 ۱۳ - نورا و از خورشید بی نیاز می کند ۱۴ - دوست و  
 دشمن را می شناسد ۱۵ - کورما در زانو و مریض را  
 شفا می دهد.

(( غیبت صفرای حضرت مهدی عج ))

وزمان آن

غیبت آنحضرت پس از شهادت پدر بزرگوار و خواندن نماز بر جنازه اش در اثر تعقیب معتمد عباسی شروع شد و محل ابتداء غیبت سرداب مقدس است در این غیبت نایب خاص برای خود تعیین کرد که بوسیله او و خواجه و سؤالات شیعیان را دریافت و جواب می داد تا مدتی بدین منوال چهار نایب یکی پس از دیگری دستورات او را هر روز از حضرتش می گرفتند و به شیعیان می رساندند.

(( نایب خاص اول ))

ابو عمرو عثمان بن سعید العمری الاسدی که برای سده امام امام علی نقی ع و امام حسن عسکری ع و امام عصر ع نیابت کرد دنیا بت او از طرف حضرت مهدی عج از سال ۲۶۰ تا ۲۸۰ بود.

(( نایب دوم ))

پسر او محمد بن عثمان العمری بعد از وفات پدرش از سال ۲۸۰ تا ۳۰۵ نیابت کرده.

(( نایب سوم ))

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی پس از وفات

محمد بن عثمان از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶ به نیا بست  
منصوب شد.

(( نایب چهارم ))

ابوالحسن علی بن محمد سمری از سال ۳۲۶ بعد از  
وفات حسین بن روح تا سال ۳۲۹ بنیابت تعیین و  
در نیمه شعبان وفات کرد محل نیا بست این چهار نفر  
بغداد بوده و در آنجا مدفونند.

(غیبت کبری)

شش روز پیش از وفات سمری توقیع شریف با این  
عنوان صادر شد:

وفات تو نزدیک شده دیگر به کسی وصیت نکن و  
کسی را به نیا بست تعیین نکن که غیبت تا ماه واقعه  
شد و ظهور نخواهد شد مگر بعد از مدت طولانی و قساوت  
دلها و پر شدن زمین از جور و هر کس پیش از سفیانی  
وصیحه آسمانی ادعای شاهده کند و دروغ گو  
و اختیار زننده است.

طبق مفاد این توقیع بعد از وفات سمری نایب  
خاص چهارم غیبت کبرا شروع شد و مور شیعیان  
بعموم فقهای جامع الشرائط محول گردید و اینک  
فقها و مراجع را تا نایب عام میگویند برای اینست



که دستورنیا بت آنان عمومی و بطور کلی صادر شده است چنانچه در توقیع اسحق بن یعقوب فرمود  
و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة  
شیعتنا (حدیثنا) فانهم حجتی علیکم وانا حجة  
الله.

«و اما پیش آمدهائی که واقع میشود در آنها بس  
راویان احادیث ما رجوع کنید که آنان حجت من  
هستند بر شما و من حجت خدا یم.»

و نیز ما صادق (ع) فرمود:

و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً  
لدينه خالفاً لهما مطيعاً لامر مولاه فللعوام  
ان يقلدوه.

هرکسی از فقها نفس خورا از محرمات نگهدارد و  
دین خود را حفظ نماید مخالف هوای نفس و تابع  
و فرما نبر مولای خود باشد بر عوام (کسیکه فقیه  
و مجتهد نیست) لازم است از او تقلید کند.

(( غیبت از نظر شیعه اشکالی ندارد ))

اما شبهات و اشکالاتی که بغیبت حضرت مهدی  
عج کرده اند و نوع است:

۱- از طرف کسانی که خارج از اسلام یا مسلم هستند

ولی عقاید شیعه را قبول ندارند که به آنان اگر چه  
میتوان با دلیل عقل جواب داد لکن روش صحیح  
آنست که ابتدا باید عقیده به امامت بلکه نبوت  
و توحید را به آنها القاء کرد بعد راجع به غیبت امام  
دوازدهم بحث نمود.

۲- از طرف شیعه که عقاید حق را قبول کرده و در  
مورد غیبت ولی عصر عجل دجا شبهه شده که بهترین  
جواب باقتناعی آنان اخبار و احادیثی است که  
از طرف معصومین علیهم السلام وارد شده.

(( غیبت از سنن انبیا است ))

اکمال الدین از امام صادق روایت می کند فرمود :  
حضرت صالح عمدتی از قومش غایب شد الخ  
عبداللہ سنان از امام صادق روایت کرد گفت : از  
امام صادق شنیدم می فرمود روش موسی بن عمران ع  
در قائم هست گفتم سنت و روش موسی بن عمران  
چیست فرمود : پنهانی بودن مولد و غیبت او از  
قومش عرض کردم حضرت موسی چند سال از اهل و قومش  
غایب شد فرمود بیست و هشت سال.

سعید بن جبیر گفت از امام زین العابدین ع  
شنیدم می فرمود در قائم ما سنن و روش هاشمی از سنن

انبیاء عهست سنتی از آدم و سنتی از نوح و سنتی از  
ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از  
ایوب و سنتی از محمد ص. اما سنتی از آدم و نوح دارد  
طول عمر است و سنتی که از ابراهیم دارد مخفی  
بودن ولادت و کناره گیری از مردم است و سنتی از  
موسی دارد خوف و غیبت است و سنتی که از عیسی  
دارد اختلاف مردم است درباره او و سنتی که از  
ایوب دارد فرج بعد از گرفتاریها است و سنتی که  
از محمد ص دارد خروج با شمشیر است.

((پیشگوئی معصومین علیهم السلام))

از غیبت حضرت مهدی ع

اکمال الدین ج ۱ ص ۳۲۰ ضمن حدیث طویل امام  
زین العابدین ع به ابوخالد کابلی فرمود:  
ای ابا خالد اهل زمان غیبتش که به ما متشقا  
و بظهورش منتظر هستند از اهل هر زمانی بهتر  
هستند برای اینکه خداوند تبارک و تعالی از عقول  
و افهام و معرفت چنان به آنان می دهد که غیبت  
نزد آنها بمنزله مشاهده و دیدن میشود و آنان را  
در آن زمان مانند ما هدین با شمشیر در محضر  
رسول الله ص قرار می دهد همانها مخلصین حقیقی  
و شیعیان راستین ما هستند و آنان آشکارا و نهانی

دعوت کنندگان بدین خداوند عزوجل هستند و نیز  
اما مزین العابدین فرمود: انتظا رفـرج از  
بزرگترین فرج ها است.

اکمال الدین - سیدیرصیرفی می گوید من و  
مفضل با ابوبصیر و ابان بن تغلب خدمت مولایمان  
ابی عبدالله جعفری محمد ع و اردشیم دیدیم  
آنحضرت نشسته و عبای خیبری طوق دار و آستین  
کوتاه بدون گریبان در بردارده اند ما در جوان  
مردم متحیر و مثل شخص جگر سوخته گریه می کنند  
حزن و اندوه بصورتش رسیده و گونه ها یش را تغییر  
پیدا کرده و دو چشمانش را اشک ترک کرده  
و می گوید: ای آقای من غیبت تو خواهم را برده  
و جایگا هم را بر من تنگ کرده راحت قلبم را  
از من ربوده. سید من غیبت تو مصیبت مرا برده  
تا راحتی های ابدی پیوسته الی آخر و ایست  
اکمال الدین ج ۱ ص ۳۳۰ از امهانی ثقفیه  
نقل می کند به ما م با قر عرض کردم ای آقای من  
آیه ای از قرآن بقلبم رسیده تا را حتم کرده و شبها  
مرا بیدار نگه داشته فرمود ای امهانی سوال کن  
گفتم ای سید من آن آیه قول خداوند عزوجل  
( (قلا قسم بالخس الجوارکنس ) ) است. فرمود  
خوب مطلبی از من سوال کردی ای امهانی ایست



مولودی است در آخر الزمان اوست مهدی زاین  
عترت برای اوحیرتی است و غیبتی گروهی در آن  
زمان (زمان حیرت و غیبت) همراه می شوند و  
گروهی هدایت پیدا می کنند ای خوشحال تو اگر  
اورا درک کنی و ای خوشحال کسیکه اورا درک  
کند.

از ما ما با قرنقل می کنند که می فرمود زمانی  
بر مردم می آید که ما ما شان از آنها غایب میشود  
ای خوشحال در این زمان بحال کسی که در اولایت  
ما ثابت می مانند کوچکترین ثوابی که برای  
آنهاست اینست که خداوند آنها را ندا می کند  
و می فرماید بندگان من و کنیزان من بسر من ایمان  
آوردی غیب مرا تصدیق کردی.

### حال آنحضرت و شیعیانش در زمان غیبت

بطوریکه معلوم شد ابتداء غیبت آنحضرت از  
سرداب مقدس بوده و این تهمتی است ما ننند  
تهمت های دیگر بشیعه میزنند که عقیده دارند  
هم اکنون حضرت مهدی عجل در آنجا بسر میبرد و اگر  
هم شیعیان در سرداب درددل و را زونیا زواستغاشه  
بحضرتش می کنند بعنوان یادروزی است که در آنجا

غیبت کرده یا مانند استغاثه و ندبه یا یکی  
 در مکنه دیگر سومی دهند و برای رد قول آنسان  
 همان کلماتی است که در دعای ندبه و دعاهای دیگر  
 است که اگر مکانش برای شیعه معلوم باشد این  
 کلمات معنی ندارد **دَلَّيْتُ شِعْرِي أَيَّنَ اسْتَقْرَثَ**  
**بِكِ النُّوِي بِلِ اِي اِرْضِ تَقْلِكِ اَوِ اَلثَّرِي اِبْرَضُوِي اَوِ**  
**غَيْرِهَا اَمْذِي طُوِي . . اَلِي مَتِي اَحَارِ فَيَكِ يِيَا**  
**مَوْلَايِ وَا لِي مَتِي . . . هَلِ اَلِيكِ يَا بِنِ اَحْمَدِ سَبِيْلِ**  
**فَتَلْقِي**

و اگر محل و مکانش معلوم است و شیعه می‌داند  
 که در سرداب بسر میبرد این فرازهای ندبه  
**كَلَامِ لَغَوَا سَتَا أَيَّنَ بَقِيَّةَ اَللّٰهِ اَلَّتِي لَا تَخْلُو مِنْ اَلْعَتْرَةِ**  
**اَلْهَادِيَّةِ اَيِّنَ اَلْمَعْدِلِ قَطْعِ دَا بَرِ اَلظَّالِمَةِ اَيِّنَ اَلْمُنْتَظَرِ**  
**اَلْقَامَةِ اَلَامْتِ وَا لِعُوجِ اَيِّنَ اَلْمُرْتَجِي لِاِزَالَةِ اَلْجُورِ**  
**وَا لِعُدْوَانِ اَيِّنَ اَلْمَدْخَرِ لِتَجْدِيدِ اَلْفِرَاثِ وَا لِسُنَنِ**  
**اَيِّنَ اَلْمَتَخِيْرِ لِاِعَادَةِ اَلْمِلَّةِ وَا لَشَّرِيْعَةِ اَلْخِ .**

بلی از بعضی اخبار استفاده میشود که در  
 اطراف مدینه و مکه بسر میبرد .

روایت شده در حال غیبت ندیم و انیس حضرت  
 مهدی خضر و ملائکه و مومنین جن است .

و هر سال موسم حج، حج بجای می‌آورد مردم او را  
 می‌بینند ولی نمی‌شناسند .

و مدت غیبت آن حضرت معلوم نیست چنانچه  
از روایات استفاده میشود و اگر کسی در گذشته  
یا در زمان ما وقت غیبت را معین کرده باشد  
طبق روایات دروغگو است.

در توقیع مبارک که برای اسحق بن یعقوب  
ما در کرد فرموده است و ما ظهور فرج این امیر  
تحقیقا بسوی خدا است و کذب الوقا تون دروغ  
گفته اند کسا نیکه وقت معین کردند.

و از حضرت باقر و حضرت صادق نیز روایت شده  
فرمودند کذب الوقا تون.

و در روایت اسدی که بحضرت صادق (ع) عرض کرد  
این امریکه ما در انتظار او هستیم چه وقت است  
فرمود: دروغ گفتند وقت گذران و هلاک شدند عجله  
کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان و برگشت  
آنان بسوی ما است.

و در حدیث دیگر فرمود:

دروغ گفتند وقت گذران ما نام در گذشته وقت  
تعیین کردیم و نه در آینده وقت خواهیم گذارد و  
مجهول ماندن وقت ظهور فرج و طول غیبت آن  
حضرت از حکمت‌های الهی است و امتحان و آزماشی  
است برای مردم با لایح شیعیان و مهلتی است  
برای جباران و ستمکاران و اهل عصیان

## طول عمر حضرت مهدی (ع)

بعضی از اطباء قدیم قائل بودند که اگر چهار  
عنصر انسان خون، بلغم، صفرا، سودا، موافق  
و مطابق یکدیگر باشد جسم و بدن تعادل خود را  
حفظ می‌کند و نا بودی و مرگ برای این انسان  
نیست مگر تصادف و قتل واقع شود و طباً امروز نیز  
عقیده دارند اگر بشر بتواند حفظ الصحة خود را  
مراعات کند چند صد و بیش از هزار سال عمر می‌کند.  
و در تاریخ مُعَمَّرین بسیار وجود داشته که بعضی از  
آنها را ما اسم می‌بریم و قطع نظر از همه اینها چه  
استبعادی دارد که خداوند ولی و خلیفه خود را  
هزاران سال برای مصلحتی عمر بدهد زیرا طول  
عمر آن حضرت خلاف عادت است نه غیر ممکن  
و محال و از طرفی اخبار از طرق خاصه و عامه بحکم  
تواتر در طول عمر حضرت مهدی عجل رسیده.  
بنا بر این نه شیعه اثنی عشری و نه شیعه دیگر و نه  
حنفی و نه مالکی و نه حنبلی و نه شافعی و نه  
ناصبی و نه مسیحی و نه یهودی و نه مجوسی و نه  
طبیعی و نه هیچ بشری دیگر می‌توانند در طول عمر  
حضرت مهدی و نه طول عمر بشر دیگر نظر مخالف

بدهد و یادگر عده از معمرین که در طول تاریخ وجود داشته راه آنکا رو تردید بکلی بسته میشود.

(( معمرین دنیا ))

طول عمر حضرت مهدی عج خلاف عادت نیست که در دنیا واقع نشده باشد معمرینی در تاریخ انسانها وجود دارد که بعضی از آنها عمرش هزاران سال زیادتر از ولی عصر عج است.

۱- خضروالیایی که چند صد و هزاران سال قبل از ولادت آنحضرت بودند و هنوز زنده هستند.

۲- در تورات است که ذی القرنین سه هزار سال و مسلمین قائلند هزار و پانصد سال عمر کرده.

۳- عوج بن عناق از زمان حضرت آدم که پدرش سبحان و مادرش عناق بوده سه هزار و شصت سال عمر کرده و بدست حضرت موسی ع بقتل رسید.

۴- ضحاک هزار و دو بیست سال زندگی کرده و هکذا ظهیرت همزیا داشته.

۵- حضرت آدم نهصد و سی سال و شیث نهصد و دوازده سال عمر کردند.

۶- قینان نهصد و ده سال ۷- مهلائیل هشتصد و نو و پنج سال ۸- نفیل بن عبدالله هفتصد سال



۹- سطيح کا هن که اسمش ربیعة بن عمرو است ششصد  
 سال ۱۰- عامر بن الضرب پانصدسال ۱۱- حرب  
 بن ماض جرهمی چها رصدا سال ۱۲- قس بن ساعدة  
 سیصد و هشتادسال ۱۳- کعب بن جمخه سیصد و نودسال  
 ۱۴- سلمان فارسی دویست و پنجاهسال و بعضی  
 گفته اند سیصدسال ۱۵- ابوالدنیا مغربی علی بن  
 عثمان بن خطاب بن مره بن موءید که عمش  
 از چها رصدا سال متجا و زبوده ۱۶- ربیع بن الضبیع  
 الفزاری سیصد و هشتادسال که بعد از حضرت عیسی  
 دویستسال قبل از رسول الله بوده تا زمان  
 عبدالملک.

۱۷- معدی کرب حمیری دویست و پنجاهسال ۱۸-  
 ثویبة بن عبدالله جعفی سیصدسال ۱۹- عوف بن  
 کنانة سیصدسال ۲۰- صبیرة بن سعد بن سهیم  
 القرشی یکصد و هشتادسال ۲۱- لبید بن ربیع  
 جعفری یکصد و چهلسال ۲۲- ذوالاصبع عدوانی  
 سیصدسال ۲۳- جعفر بن قبط سیصدسال ۲۴-  
 ظرب عدوانی سیصدسال ۲۴- محسن بن غسان  
 دویست و پنجاهسال ۲۵- صیفی بن رباح دویست  
 و هفتادسال ۲۶- عاد بن شادا یکصد و پنجاهسال  
 ۲۷- اکتام بن صیقی سیصدسال ۲۸- فروة بن ثعلبة  
 یکصد و سیسال ۲۹- مضا دین حباته یکصد و چهلسال

۳۰- قس بن سا عده ششصد سال ۳۱- حارث بن کعب  
 مذحجی یکصد و شصت سال ۳۲- فریدون عادل فوق  
 هزار سال عمر کرده ۳۳- موسس عید مهرگان هزار  
 و پانصد سال ۳۴- یعرب بن قحطان دویست سال  
 ۳۵- عمرو بن عا مرهشتصد سال ۳۶- جلهمة بن ادد  
 پانصد سال ۳۷- انوش نهصد و شصت و پنج سال ۳۸-  
 ادریس نهصد و شصت و پنج سال ۳۹- متوشلح نهصد  
 و نود و شش سال ۴۰- نوح حداقل نهصد و پنجاه گاه  
 ضبط شده ۴۱- اسمعیل یکصد و سی و هفت سال  
 ۴۲- اسحاق (ع) یکصد و هشتاد سال ۴۳- حضرت  
 ابراهیم یکصد و هفتاد و پنج سال ۴۴- مسلم اف  
 قفقازی که در شوروی زندگی می کرد  
 و در چند سال اخیر قوت کرد یکصد و هفتاد.

((وقایع زمان غیبت و علائم))

آخر الزمان

روضه کافی ص ۳۶ اما صادق (ع) ضمن گفتگو  
 با ابی جعفر منصور می فرماید:  
 آیا نمیدانید کسیکه منتظرا مر با شد و هر چه آزار و  
 خوف به بیند صبر کند فردای قیامت داخل گروه ما  
 است.

پس زما ینکه دیدی حق مرده و اهل حق رفته اند

و ظلم و ستم بجها ن پیچیده و قرآن کهنه شده و چیزهایی  
که در او نیست به او اضافه شده و مردم را بیهواهای  
نفسانی آورده اند و وقتی که دیدی دین جا خالی  
کرده هما نگونه که آب از ظرف خالی میشود اهل  
باطل بر اهل حق برتری می جوید شرویدی اشکار  
و از او نهی نمیشود و بدکاران را معذور می دانند  
فسق ظاهر میشود مردان بمردان و زنان بی  
زنان اکتفا می کنند مومن را می بینی ساکت  
است قولش قبول نمی شود و می بینی فاسق دروغ  
می گوید و دروغ و بهتانش به او وارد نمیشود کوچک و  
کودک، بزرگ را کوچک می شمارد می بینی رخمها  
قطع شده و کسی که به فسق مدح شده می خندد قولش به  
او وارد نمیشود.

و عالم بزرگوار حاج شیخ جواد خراسانی  
بعضی از علائم آخرا لزمان را قسمت بندی کرده:  
از دین نما ند جز اسمش خود را به اسلام بنا مند  
ولی دورترین مردم با سلامند صبر کنند بر دین  
مانند کسی است که آتش در دست نگهدارد دین را  
بدنیا بفروشند دین پست گردد دنیا برتر  
اگر دنیا یشان سالم باشد هر چه از دین تلف شود  
پروا نکنند دینشان در همشان و همتشان شکمشان  
و قبله ایشان زنا نشان باشد برای نان خود را

می شکنند و برای درهم بخاک می افتند حیران و سرگردانند نه نصرتی استند و نه میشود آنها را مسلمان گفت احکام باطل شود و اسلام رو بضعف نهد و بدعتها ظاهراً شود بدعتها زیاده شود بدعت سنت شود و سنت بدعت در هر سال بدعت و شربیش از سال قبل حادث شود فتنهها و بدعتها در دین چنان شائع شود که نوزادان با همان بدعتها نشوونما کنند و کودکان با همان بدعتها بزرگ شوند و بزرگان با بدعتها پیر گردند تا اینکه آن بدعتها سنت شود و چنان مستحکم گردد که اگر چیزی از او تغییر داده شود فریاد برآید که سنت تغییر داده شده است و معروف ترک شود از معروف نهی شود منکر معروف و معروف منکر شود از معروف ترک شود از معروف نهی شود از فرزندانش بفرمانده معروف ذلیل باشد اما در امور عملی کم باشد می گویند آنچه را که نمی کنند دل مردم را قساوت گرفته و چشمها ایشان خشک باشد در غیر طاعت خدا بسیار خرج کنند و در طاعت خدا از کم دریغ دارند مومن غمگین و حقیر و ذلیل باشد بنماز استخفاف شود حج و جهاد را برای غیر خدا کنند در مسجدها آلات موسیقی بنوازند و کسی برای ایشان انکار نکنند عابدان جاهل و قاریان قاسق باشند قاریان زیاده و فقها کم باشند دنیا



را بالای سر و علم را زیر پا نهند علم دین را برای  
غیر خدا بیا موزند بر منبرها دروغ را خوشمزه  
و شوخی بشمارند حرام را غنیمت شمرند طالب حلال  
سرزنش و طالب حرام مدح شود فقیه فقه را برای  
غیر دین قرا گیرد و مقصودش ریا است زنان بکار  
مشغول شوند و با شوهران در کسب و تجارت شرکت  
کنند ز حرص و طمع بدینیا همه جا قانون جور حکومت  
کنند فرمایان زیادوا مین کمباشند ریاست  
برای دنیا می خواهند حکومت بکسی می دهند  
که سزاوار آن نیست اشرار بر اخیار مسلط شوند  
کودکان به امارت رسند قاضیها برخلاف امر خدا  
قضاوت کنند قاضیان قضاوت برجیزی کنند که  
نمی دانند شهادت های دروغ قبول و شهادت های  
عدل رد شود هیچ حدی برای خدا جاری نشود  
زنا را سهل شمارند زقص و طرب و غناء را حلال شمرند  
زبان را ستگو و ناپایب شود غیبت را ملامت و غیبت  
کننده را ملیح شمرند شهادت های دروغ معمول  
گردد، هرج و مرج زیاد شود، خونریزی را سهل  
شمارند، آدم کشی بسیار شود، مردم با کسی هستند که  
غلبه با اوست زنان فاسد و جوانان فاسق شوند  
کودکان فاقد حیا و ادب باشند پرده حیا از زنان  
برداشته میشود مردان خود را بلباس زنان



زینت کنند مرداً طاعت زن خود را می کنند طسه  
رحم را با منت کنند جفا و استخفاف بپدر و مادر  
ظا هر شود باطن ها خبیث و ظا هر ها نیکو و از جهت  
طمع دنیا خائن را امین گویند مدح می کنند  
بصرف قول و زبان شخص با انصاف را ضعیف و کم  
خرده دانند سخن کسی را جز نما م و سخن چین امضاء  
نمی کنند مردمان پست و لئیم بسیا و مردم شریف  
کم شوند.

در همان کتاب از امیر المومنین (ع) نقل  
شده فرمود: از شما (شیعه اثنی عشر) نما ند مگر  
ما ننند سر مه در چشم یا نمک در طعام.

رسول الله ص فرمود: قسم به آن کس که مرا برای  
بشارت بحق مبعوث کرده کسا نیکه عقیده و قائل به  
قائم ع در زمان غیبت باشند از کبریت احمر  
نایاب تر است

اما مزین العابدین ع فرمود: غیبت دوم و طولانی  
شود تا اینکه بیشتر قائلین با ما مت آن حضرت  
از این امر بر می گردند و جز کسی که یقین اوقوی و  
معرفت او صحیح باشد در این امر ثابت نمی ماند  
غیبت شیخ طوسی ص ۲۷۵ اما صادق (ع) فرمود:  
برای صاحب این امر غیبتی است در آن زمان  
هر کس متمسک بدین او باشد ما ننند کسی است که دستش  
را به چوب خار داری بکشد الخ.

(( ملاقات نزدیک بقیا م مهدی عج ))

عیبتد طوسی ص ۲۶۶ ابو حمزه شمالی گفت به امام  
صادق (ع) گفتم ما م باقر (ع) می فرمود خروج سفیانی  
وندا و طلوع شمس از مغرب از حتمیات است و چیزهای  
دیگر می فرمود که از حتمیات است .

اما صادق (ع) فرمود : اختلاف بنی فلان و قتل  
نفسی زکیه و خروج قائم از حتمیات است به امام  
صادق (ع) عرض کرد : این ندا چگونه میشود امام  
صادق (ع) فرمود : منادی در اول روز از آسمان  
ندا می کند که صدای او را هر گروهی با زبان خودش  
می شنود : آگاه باشید حق با علی و شیعیان علی است  
و در آخر روز ابلیس از زمین ندا می کند آگاه  
باشید که حق با عثمان و شیعیان (پیروان) عثمان  
است در این هنگام اهل باطل بشک می افتند  
ظاهرا مراد از عثمان در این خبر عثمان بن  
عنبسه سفیانی است ((

امیرالمومنین (ع) از رسول الله ص فرمود :  
قبل از ساعت (( روز قیامت )) ده چیز با یس  
بوجود بیاید ۱- سفیانی ۲- دجال ۳- دود ۴-  
جنبنده ۵- خروج قائم ۶- طلوع آفتاب از مغرب

۷- پایین آمدن حضرت عیسی (ع) ۸- خسف (فرو رفتن زمین) در مشرق ۹- خسف در جزیره العرب ۱۰- و آتشی از قعر عدن خارج میشود و مردم را بسوی محشر روانه می کند

اما صادق ع فرمود: پنج چیز از علامات پیش از قیام قائم است .

۱- صیحه (آسمانی) ۲- سفیانی ۳- فرورفتن زمین در بیداء ۴- خروج یمانی ۵- قتل نفس زکیه و نیز فرمود: قائم خروج نمی کند تا اینک دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند که همگی بسوی خود دعوت کنند

عمیره بنت نفیل می گوید از امام حسن بن علی ع شنیدم می گوید این امری که شما منتظر آن هستید واقع نخواهد شد تا وقتی که بعضی از شما از بعض دیگر بیزاری بجوید و بعضی از شما بعض شما را لعن کند و بعضی از شما بصورت بعض دیگر تفرقه کند و تا اینک بعضی از شما به کفر بعض دیگر شهادت بدهد راوی می گوید گفتم در این زمان خیری نیست اما فرمود: همه خیرها در این موقع است در این وقت قائم قیام می کند و همه اینها را از میان برمی دارد

ص ۲۶۹ فرمود: آن سالی که مهدی قیام می کند

بیست و چهار مرتبه باران می بارد و برکت و اثر آن دیده میشود

ص ۲۷۰ حذلم بن بشیر می گوید به امام زین العابدین عرض کردم: خروج مهدی را برای من توصیف کن و دلائل و علاماتش را معرفی فرماید. فرمود: قبل از خروج وی مردی بنام عوف السلمی در ارض الجزیره خروج می کند و جا یگاه ها و کریست است او را در مسجد دمشق بقتل می رساند بعد شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند سپس سفیانسی ملعون که از فرزندان عثبه بن ابی سفیان است از وادی یابس خروج می کند وقتی که سفیانسی ظاهر شد حضرت مهدی مخفی میشود و بعد از آن خروج می کند

برای رسول الله ص روایت شده فرمود: مردی از که اسمش اسم پیغمبری است از قزوین خروج می کند مردم از مشرک و مومن بسوی طاعت و پیروی او سرعت می کنند کوهها را از ترس و خوف پرمی کنند ۲۷۱ راوی می گوید از امام صادق شنیدم می فرماید بین قیام قائم و بین قتل نفس زکیه فاصله ای نیست مگر پانزده شب

امام صادق (ع) فرمود: خروج سه گانه:

خراسانی و سفیانی و یمانی و دریکسال و در یک

ماه و در یک روز واقع میشود در میان آنها پرچمی  
هدایت یافته ترا ز پرچم ما نیست که بسوی حق  
هدایت می کند

ص ۲۷۴ اما صادق (ع) فرمود: قاتل صواب  
اللہ علیہ را شب بیست و سوم ندا می کنند و روز عاشورا  
روزی که در آن روز حسین بن علی بقتل رسید قیام  
می کند

در اخبار و علامات دیگر نیز ذکر شده که ما بعنوان  
فهرست آنها را ذکر می کنیم

منع طعام و در هم ز عراق - مردی از اهل قم مردم  
را دعوت می کند - ظاهر شدن آب بر روی زمین قم  
قم مرکز علم شود - ظهور آتش در حجاز و آب در نجف  
خرابی بصره - مسلط شدن کفار بر نهر سیحون و  
جیحون و فرات و دجله - اختلاف دو صنف از عجم  
در کلمه عدل - خرابی دیوار مسجد کوفه بنای قصر  
عتیق و بنای عمارتها در اطراف مسجد کوفه  
بنای جسر کوفه - ظهور آتشی در ثویه کوفه  
تا کناسه بنی اسد - فتنه های پی در پی و هرج و  
مرگ سرخ و مرگ زرد - پیدایش ملخ سرخ در دو وقت  
فساد در خرما در درخت - جنگ و قتل پی در پی  
شروع جنگ از صفر تا صفر گرفتن ماه در شب  
چهاردهم رجب ظاهر شدن مردی در زیر آسمان



ظهور آتشی در آسمان - جاری شدن فرات در شهر  
 کوفه - کثرت زلزله - زلزله بزرگ در شام - فرو  
 رفتن یا خرابی در مسجد دمشق خسفی در بغداد  
 ظهور مسخ - اختلاف پرچم حسنی و اموی در شام  
 خروج مغربی (( رایت قیس )) و حمله بمصر و شام  
 خروج دجال - ظاهر شدن کفی در آسمان - دونا مه  
 ببرائت از علی در کوفه و بصره خوانده شد  
 همراهی حضرت خضر و حضرت عیسی با آن حضرت  
 خروج دابها الارض - نصرت جن و ملائکه - برگشتن  
 اصحاب کهف و جمعی از این امت جمعی از زنان  
 با سید و سیزده تن خواهد بود .

(( حالات و وظائف شیعیان ))

در حال غیبت

ماء معین و آب حیات شیعه حضرت مهدی عجا است  
 کسیکه ادعای تشیع و دوستی کند بلکه خود را عبود  
 ذلیل و شیفته و منتظر حضرت بقیه الله عجا بداند  
 لازم است غافل از یاد آن حضرت نباشد و آداب بندگی  
 و رسوم فرما برداری و وظیفه دوستی بجای  
 بیارد و معلوم است اسیر این وادی و طرز سلوک  
 این طریق آموختنی و درسی نیست بلکه یک توجه  
 ولوی و بارقه غیبی خود بخود را هگشا میشود که

آنهم مقدمات ما نند تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و  
تطهیر باطن لازم دارد و عمدتاً توجه قلبی است  
که احساس درد و احتیاج خود را درک کند و با قطع  
روابط خود را در معرض هلاک به بیند و اذعان داشته  
باشد ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با حضرتش آبیات  
و ماء معین و زندگی مادی و معنوی و وابسته به  
آن است و بداند که یک عمر با تشنگی بسر میبرد  
ولی مادیت چنان تخدیر کرده احساس تشنگی  
و احتیاج نمی‌کند که به این ماء معین بجزاز راه  
ابتها ل و تضرع بدرگاه ذوالجلال و توسل بذیـل  
عنایت حضرتش نمیتوان دست یافت

قل ان اصبح ماء و کم غورا " فمن یا تیکم  
بماء معین

آری این ماء معین گمشده و این غیاث مضطر  
مستکین و آرام بخشش دل هر مسکین  
و پناه و ملجاء مومنین و فریادرس شیعیان و نجات  
بخش جهانیان که این جانهای فرسوده را حیات  
نوین بخشد جز مهدی آل محمد نمیتوانند  
دلسوختگان هجرانش و منتظرین مقدم مبارکش  
چگونه میتوانند در حال غیبت بی تفاوت و غفلت  
زده باشند بلکه بی اختیار نغمه عاشقانه و ندبیه  
اشتیاق سومی دهند

هل اليك يا بن احمد سبيل فتلقى

هل يتصل يومنا منك بعده فنحظي

متي نرد منا هلك الرويه فنزوي

متي ننتقع من عذب مائك فقد طال الئدي

متي نغا ديك ونرا وحكفتقر عيننا

متي ترينا ونريك وقد نشرت لواء النصر تر

التي متي احار فيك يا مولاي والي متي

عزيز علي ان اري الخلق ولا تـرى

بنفسي انت من مغيب لم يخل منا

دراين صفحات قسمتي از وظائف خود ما نرا

نسبت به حضرت مهدي عج يا دآور ميشويم

۱- درايا مغيبت بيا دآور حضرت بوده و براي

دوري و هجرانش و محروميت از وصال و نور جمالش

مهموم و مغموم و گريان با شيم و ما نندكسي كسه

بهترين عزيزش و مثل پدر و ما دري كه محبوب ترين

فرزندش را گم کرده با شد شب و روز دريا دآور حضرت

و جستجوي دا من و صال و ديده ارجما لش با شيم .

اما مرزا (ع) در ضمن خبري فرمود: چه بسيار

هو، منده و چه بسيار مومني هنگام فقدان ماء معين

يعني حضرت حجت (ع) متاسف و حيران و محزون بنند

و در دعاي ندبه مي خوانيم هل من معين فاطيل معه

العويل والبيكاء هل من جزوع فاسا عد جزع

اذا خلاهل قدیت عین فسا عدتها عینی علی القذی  
منتهی اما م با قرع به عبدا للہا بن طبیبان  
فرمود: هیچ عیدی نیست برای مسلمین نه قربان  
و نه فطر مگر خدا و ندتا زہ می کند بر آل محمد  
علیہم السلام را وی پرسید چرا؟ فرمود: کہ حـق  
خودشا نرا در دست دیگران می بینند.

۲- انتظار فرج آنحضرت است دیدہا یسود  
کسیکہ مسا فر عزیزش در شرف برگشتن از سفر است  
برای قدم مسا فر خانہ را جا رو و نظافت و بہترین  
غذا و وسائل بخاطر او آمادہ کرد و خود دست بسینہ  
پشت در ایستادہ دقیقہ و لحظہ شماری می کند. مسا  
خود ما نرا بہ لفظ انتظار و منتظر بی محتوا قانع  
نکنیم بلکہ مثل همان آمادگی واقعی و تطہیر  
و تزکیہ ظاہر و باطن نمودہ سپس او را بخوانیم

آئینہ شو جمال پری طلعتان طلب

جا روب کن بوخانہ سپس میہمان طلب

اینجا است کہ قبل از

ظہور آنحضرت بدون دست و پا زدن زیاد میتوان  
از توجہات خاصہ آن حضرت برخوردار شد زیرا ہر چہ  
ہست در همان حال حقیقت است  
آب گم جوشنگی آور بدست

تا کہ آب جوشدا زبا لاو پست

فلذا می بینیم بدون وقوع و فرج همین انتظار را  
را فرج معرفی کردند

محمد بن فضل را جمع بفرج از امام رضا ع پرسید  
حضرت فرمود آیا انتظار فرج از فرج نیست

در بحار ج ۵۳ ص ۱۲۵ از اکمال الدین صدوق از  
امام زین العابدین روایت می کند: هر کس در زمان  
غیبت ما در ولایت ما ثابت بماند خدا وندهما ننهد  
اجر شهداء بدر و احبها و عطا می فرماید

رسول الله ص فرمود: افضل العباد انتظار

الفرج

امام صادق (ع) فرمود: کسی که از شما برای این  
امر (امت) بمیرد در حالیکه منتظرا و باشد هما نند  
کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد الخ

۳- دعا کردن برای سلامتی وجود مبینا زک و  
تعجیل در فرج و ظهور آنحضرت است و آن بهر زبان  
و هر زمان مکانی و بهر عبارتی میسر است و لکن  
بهترین دعاها همانست که از معصومین علیهم السلام  
رسیده که از مهمترین دعاها که به تکرار آن در ایام  
ولیا لی متبرکه مخصوصا "در بیت سوم ماه رمضان  
و در سایر اوقات دستور داده اند این دعا است

اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک  
علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا



و حافظا وقاعدونا صرا" ودلیلا "وعینا" حتی تسکنه  
ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا"

واز جمله دعای اللهم اذفع عن ولیک  
وخلیفتک وحتک الخ وصلوات منسوب بسید  
ابوالحسن ضراب اصفهانی است

۴- صدقه دادن و اطعام کردن و رسیدگی نمودن به  
دوستان آن حضرت برای حفظ وجود مبارکش چون  
دنیا و آخرت سلامت روح و جسم ما بستگی به وجود  
مبارک آنحضرت دارد و بودن ما به طفیل بودن وجود  
آنحضرت است بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت  
الارض والسماء

۵- حج و عمره و زیارت بنیابت حضرت مهدی (ع)  
انجام دادن که با این عمل نه تنها ثواب این  
اعمال از ما کم نمیشود بلکه مضافا هم هدیه ایست  
به مولا و سیدمان که عاید آن به خود برمی گردد  
و این عمل در قدیم بین شیعیان مرسوم بوده  
۶- تعظیم و تکریم آن حضرت در زمان غیبت  
مانند شرکت در مراسم عزاداری اجداد طاهرینش  
و در مراسم جشن و سرور و اعیاد و موالیده حضرات  
بالاخص در میلاد با سعادت آنحضرت در نیمه شعبان  
و تجلیل از اسماء شریفه اش بالاخص هنگام ذکر  
اسم مبارک قائم علیه السلام که روش امامیه است

هنگام ذکر آن قیام کنند

۷- در هنگام غیبت و حیرت و کثرت شبهات و فعالیت مصلین استمداد و مسئلت نمودن از خداوند نعم برای حفظ ایمان و گوهر ولایت و از بهتریستن دعا برای این امر این دعا شریف است اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لما عرف نبیک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لما عرف حجت اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی

و دیگر دعای غریق است یا اللہ یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک و دیگری دعای اللهم لاتمتنی میتنه جا علیه ولا تزع قلبی بعدا زهدیتنی الخ

۸- استمداد و استعانت و استغاثه به آن حضرت در هنگام شدائد و گرفتاریها و مریضیها و در هر فتنه و بلا و مصیبت دنیوی و اخروی مادی و معنوی بهر راهی که میسر است گاهی بوسیله تضرع و ندبسه و گریه و دعا که از جمله آنها دعای عهد است که هر که چهل صبح بخواند از آن حضرت عشود و گاهی بوسیله نماز آن حضرت و آن دور رکعت است در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین میخوانی و این آیه را صد مرتبه تکرار و حمد را تمام می کنی

بعد سوره قل هو الله احد را يك مرتبه تلاوت كرده  
وبعد از نماز اين دعا را مي خواند

اللهم عظم اربلاء وبرز الخفاء وانكشف الغطاء  
وضاقت الارض بما وسعت السماء واليك يا رب المشتكى  
وعليك المعول في الشدة والرخاء اللهم صل على محمد  
وآل محمد الذين امرتنا ببطاعتهم وعجل الله  
اللهم فرجهم بقائهم و اظهر اغراضهم يا محمد يا  
علي يا علي يا محمد ا كفياني فانك ما كافي يا  
محمد يا علي يا علي يا محمد انصراني فانك ما  
ناصر اي يا محمد يا علي يا علي يا محمد ا حفظاني  
فانك ما حافظاي يا مولاي يا صاحب الزمان يا  
مولاي يا صاحب الزمان يا مولاي يا صاحب  
الزمان الفوٹ الفوٹ الفوٹ ادرکني ادرکني  
ادرکني الامان الامان الامان  
ونمازهاي ديگر نيز در کتب مربوطه براي آنحضرت  
ذکر شده.

وگا هي بوسيله نوشتن نامه به آن حضرت كه محدث  
قمي ره از تحفه الزاير و مفاتيح النجاه نقل كرده  
هر كه را به آن حضرت حاجتي باشد آنرا در رقعته  
نوشته و دريكي از قبورا ثمه عليهم السلام بنيدازد  
يا به بندد و مهر كند و آنرا لابلای گلي كه پاك باشد  
بگذارد و در نهر يا چاه عميقي يا غدیر آبي

بیندا زد کہ بحضرت صاحب الزمان صلوات اللہ  
 وسلامہ علیہ می رسد و آنحضرت بنفسہ متولی بسر  
 آوردن حاجت میشود و نسخہ آن رقعہ چنین است :  
 بسم اللہ الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات  
 اللہ علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا "  
 یا للہ عزوجل ثم بک من امر قد همتی و اشغل قلبی  
 و اطال فکری و سلبتنی بعض لیبی و غیر خطیر نعمہ اللہ  
 عندی اسلمنی عند تخیل و روده الخلیل و تبرامنی  
 عند ترائی اقبالہ الی الحمیم و عجزت عن دفاعہ  
 حیلتی و خاننی فی تحملہ صبری و قوتی فلجأت  
 فیہ الیک و توکلت فی المسئلة للہ جل ثنا وہ علیہ  
 و علیک فی دفاعہ عنی علما " بمکانک من اللہ  
 رب العالمین ولی بیرو مالک الایہور و اثقا "  
 بک فی المسارعة فی الشفاعة الیہ جل و ثنا وہ فی  
 امری متیقنا لاجا بته تبارک و تعالی ایسا ک  
 با عطائی سؤلی و انت یا مولای جدیر بتحقیق  
 ظنی و تصدیق املی فیک فی امر کذا و کذا .....  
 ( بجای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کنند ) ( فیمالا  
 طاقتی بحملہ و لاصبر لی علیہ و ان کنت مستحقا لہ  
 و لاضعافہ بقبیح افعالی و تفریطی فی الواجبات  
 التی للہ عزوجل فی امری قبل حلول التلطف  
 و شماتة الاعداء فیک بسطت النعمة علی و اسئل

اللّه جل جلاله لی نصراً عزیزاً وفتحاً قریباً فیسسه  
بلوغ الامال و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و الامن  
من المخاوف و کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لمّا  
یشاء فعّال و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدأ  
والمال.

۹- در عصر غیبت تا کید شده به سکون و اعتزال  
و خانه نشینی برای حفظ دین. مرحوم حاج شیخ  
جواد نقل می کند اما صادق فرمود: کلمات رب  
هذا الامر کان اشد للتقیه و نیز فرمود: من تیرک  
التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا.

جا بر جعفری از امام باقر پرسید در آخر الزمان  
چه عملی بهتر است فرمود: حفظ اللسان و لزوم  
البیت اما باقر (ع) فرمود: خالطوهم بالبرانیة  
و خالطوهم بالجوانیة اذا کانتم الامره صبیبا نیمة  
حضرت رضا فرمود: زود است بر مردم زمانی می آید  
که عافیت (حفظ دین) در آن زمان ده جزء است  
نه جزء آن در اعتزال از مردم و یک جزء آن در سکوت  
است.

حضرت صادق (ع) فرمود: کونوا خلاص بیوتکم  
فان الفتنة علی من اثارهما.  
اما باقر (ع) فرمود: اسکنوا ما سکنت السموات  
والارض.



اما صادق عبوسدير صيرفي فرمود: بالـزم  
بيتك وكن حلساً من احلاسه واسكن ما سكن الليل  
والنها رفاذا بلغ ان السفيا نى قد خرج فارحل  
الينا ولو على رجلك.

امير المؤمنين فرمود: كن فى لفتنه كما بسن  
اللبون لآظهر فيركب ولاوبر فيسلب ولاضرع فيحلب  
البرهان للمتقى الهنـدى ص ٣٠٣ اقال رسول  
الله: ستكون بعدى فتن منها فتنة الاحلاس يكون  
فيها حرب وهرب، ثم بعدها فتنة اشد منها ثم  
تكون فتنة كلما قيل: ائقطعت تما دت حتى لايبقى  
بيت الادخلته ولامسلم لاملته حتى يخرج رجل من  
عترتى.

"""" عن على بن ابيطالب عقال: يخرج  
رجل قبل المهدي من اهل بيته بالمشرق، يحمل  
السيف على عاقبه ثمانية عشر شهراً يقتل ويمثل  
ويتوجه الى بيت المقدس فلا يبلغه حتى يموت

(( بعضی از کسانیکه در زمان غیبت ))

(( خدمت حضرت مهدی عجل شرفیاب ))

شدند

(( قصه علامه بحرا العلوم ))

محدث قمی در منتهی الامال از عالم جلیل ملازمین  
العا بدین سلفی آنها را زناظر علامه بحرا العلوم  
در ایام مجاورت در مکه معظمه هنگامی که بحرا العلوم  
در مکه سکونت داشت و به صاحبان مذاهب اربعه  
درس می گفت و در بذل و عطا و بخشش بد طولانی داشت  
در اکثرت مخارج روزی که چیزی نداشتم به سید  
گفتم مخارج زیاده چیزی در دست نیست جوابی  
نفرمود و عادت ایشان این بود که صبح طوافی دور  
کعبه می کرد و بخانه می آمد و به اطاقی که مختص  
خودش بود می رفت و قلیان می کشید بعد بیرون  
می آمد و در اطاق دیگر می نشست و تلامذه از هر مذهبی  
جمع میشدند و بهر صنفی بطریق مذهبش درس می گفت  
آنروز که شکایت از تنگدستی در روز گذشته کرده  
بودم پس از برگشت از طواف قلیان را حاضر کردم

که ناگاه کسی در را کوبید دیدم سید بشدت مضطرب  
 شد و گفت قلیا ترا بگیر و از اینجا بیرون برو و خودش  
 با سرعت برخاست و در را با زکر دیدم شخص جلیلی به  
 هیئت اعراب داخل شد و در اطاق سید نشست و سید در  
 نهایت ذلت و مسکنت و ادب دم در نشست و بمن اشاره  
 کرد قلیا ترا نزدیک نبرم سید با آن شخص ساعتی  
 نشستند و با یکدیگر سخن می گفتند آنگاه برخاست  
 و سید با شتاب در خانه را با زکر و دستش را بوسید  
 و او را بر ناقه ای که در خانه بود سوار کرد و او رفت  
 سید با رنگ متغیر با زگشت و براتی بدست من داد و  
 گفت این حواله ایست بر مرد صرافی که در کوه صفا  
 است آنرا بگیر برات را بر دم دست همان صراف  
 دادم همین که برات را گرفت بوسید گفت برو چندی  
 حامل بیا و رچها رحمال آوردم آنچه قدرت داشتند  
 ریال فرانسه برداشتند و بمنزل آوردند روزی رفتم  
 از حال آن صراف رسیدگی کنم در آن مکان نشانه  
 صرافی بودند که گمانی از یک نفر که آنجا ساکن بود  
 پرسیدم گفت ما در اینجا صرافی ندیده بودیم  
 دانستم که این از اسرار ملک علام بود

(( ملاقات با امام زمان (ع) در ))

کنار کعبه

فدکی نقل می‌کند: او دی می‌گوید: طواف  
ششم‌تاما موقصد طواف هفتم کرده بودم ناگهان دیدم  
در طرف راست کعبه عده حلقه زدند و جوان خوش  
صورت و خوشبو و با هیبتی که در عین حال خود را  
بمردم نزدیک می‌کند و سخن می‌گوید من زیبا تر از  
کلاما و شیرین تر از منطق او در خوش برخوردی ندیدم  
جلورفتم با او سخن بگویم مردم از من جلوگیری  
کردند از یکی از آنان سوال کردم این شخص کیست  
گفت فرزند رسول الله است که هر سال یکروز  
برای خواص دوستان خود ظاهرا می‌شود و با آنها  
گفتگویی کند و آنان با او گفتگو می‌کنند گفتیم  
ای آقای من ارشاد می‌خواهم مرا ارشاد کن خداوند  
ترا هدایت کند. مقداری سنگریزه بمن داد برگشتم  
بعضی از هم‌نشینان من گفت فرزند رسول الله  
می‌چه چیز بتو داد گفتیم: سنگریزه. بعد کف دستم  
را گشودم دیدم مشتی از طلا است رفتم دیدم خود را بمن  
رسا نید فرمود: حجت بر تو ثابت شد و حق برای تو  
عیان گردید و کوری از تورفت آیا مرا می‌شناسی؟  
گفتم: بخدا نه فرمود: من مهدی هستم: من قائم  
زمانم کسیکه زمین را پرا ز عدل می‌کنم هما نظور  
که پرا ز ظلم شده، روی زمین از جغت خالی نمیشود  
و مردم بیش از حیرت بنی اسرائیل در انقطاع نمایی

مانند یا مخرج من ظا هر خوا هد شد پس این که  
گفتم در گردن تو مانند است از برادران دینی  
هر که اهل حق باشد آنرا نقل کن

(دعای حضرت مهدی (ع) برای)

نجات از گرفتاری

بحار ج ۵۳ ص ۲۲۵ از کلم طیب از امیر اسمعیل  
حائری انصاری در سنه ۱۰۷۳ از شیخ حاج علی مکی  
شنیدم نقل می کند می گوید: من به سختی و تنگی و  
گرفتاری دشمن مبتلا شدم بطوریکه از کشتن و نابودی  
بر خودم می ترسیدم دعای نوشته شده را در جیبم پیدا  
کردم بدون اینکه کسی را آنرا بدهد تعجب کردم  
و متحیر بودم یک نفر در قیافه صلحا و زهاد در خواب  
دیدم بمن گفت آن دعای را من بتو دادم آنرا  
بخوان از تنگی و سختی نجات پیدا می کنی و برای  
من بیان کرد که کیست از این واقعه به تعجب من  
افزود با ردگیر حضرت حجت منتظر ع را دیدم بمن  
فرمود: بخوان آن دعا شی را که بتو دادم و بهره  
خواستی یا دیده

شیخ حاج علی مکی می گوید: چند مرتبه

این دعا را تجربه کردم خوا ندم و فرزندیک برای من  
حاصل شد بعداً مدتی این دعا مفقود شد و من از فقدان



آن تا سف می خوردم که چه کار بدی بود شخصی نزد  
من آمدگفت: این دعا در فلان مکان از تو افتاده  
فورا آنجا رفته و دعا را برداشتم و برای خدا سجده  
شکر بجا آوردم و آن دعا اینست:

بسم الله الرحمن الرحيم رب اسألک مـدا  
روحانیا تقوی به قوی لکلیه والجزئیة حتی اقهـر  
عبادی نفسی کل نفس قاهرة فتنبض لی اشارة  
رقائقها انقباضا تسقط به قواها حتی لا یبقی فی  
الکون ذوروح الا ونارقهری قدا حرقت ظهیرة  
یا شدیدیا شدیدیا ذالبطش الشدیدیا قها راسألک  
بما اودعته عزرائیل من اسمائیک القهریة  
فا نفلت لها النفوس بالقهران تودعنی هـذا  
السرفی هذه الساعة حتی الین به کلی صعب واذل  
به کل منیع بقوتک یا ذا القوه المتین

این دعا را هنگام سحر اگر ممکن است سه مرتبه  
بخوان و صبح سه مرتبه و <sup>مجلس</sup> (اول شب) سه مرتبه  
بخوان و اگر کسی که میخواند کارش بسختی برسد  
بعد از خواندن این دعا سی مرتبه بگوید یا رحمن یا رحیم  
یا ارحم الراحمین اسألک اللف بما جرت به  
المقادیر

(( دعاء دیگر از حضرت مهدی عج ))

بحار ج ۵۳ ص ۲۲۷ کفعمی در بلبدا لامین از حضرت  
مهدی عج نقل می کند هر کس این دعا را در ظرف  
نوبا تربت حسین ع بنویسد و بعد آنرا بشوید  
و بخورد از مرضش شفا پیدا می کند

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله دواء لحمده  
لله شفاء ولا اله الا الله كفاء هو الشافي شفاء وهو  
الكافي كفاء اذهب الباس رب الناس شفاء لا يغا  
دره سقم و صلى الله على محمد و آله التّجباء

این دعا را شخصی که در حائز مجا و ربود در خواب  
از حضرت مهدی عج فرا گرفت این شخص مرضی داشت  
به حضرت قائم عج شکایت کرد حضرت فرمود که ای  
دعا را بنویسد و بشوید و بیا شامد (بطریقی که ذکر  
شد) آن شخص این عمل را انجام داد و در همان  
ساعت صحت پیدا کرد.

(( دیدارهای مکرر علامه بحرالعلوم ))

با حضرت مهدی ع

بحار ج ۵۳ ص ۲۳۶ مولی زین العابدین  
سلیمان سی می گوید در مجلسی افاده علامه بحرالعلوم

ره بودیم شخصی از وی سوال کرد آیا در غیبت کبری  
رویت و دیدار طلعت حضرت مهدی عج امکان دارد  
علامه بحرا العلوم ره که قلبیانی در دست داشت و سرش  
را پایین انداخته بود آهسته آهسته با خود زمزمه  
می کرد که من می شنیدم:

(( چه بگویم در جواب این شخص؟ در حالی که حضرت  
مهدی عج مرا بسینه خود چسبانیده و از طرفی در  
اخبار وارد شده کسی که در ایام غیبت ادعای رویت  
کند و را تکذیب کنید )) این کلام را علامه تکرار می  
کرد

بعداً در جواب سائل گفت: در اخبار معصومین  
(ع) وارد شده که مدعی رویت حضرت خجت عج را  
تکذیب کنید علامه آن جمله دیگر را به آن شخص  
نگفت و بجواب آن شخص بهمین اکتفا کرد

(( دیدار علامه بحرا العلوم در حرم ))

عسکریین ع دریا مرا

بحار ج ۵۳ ص ۲۲۷ مولی زین العابدین  
سلما سی می گوید: روزی در حرم عسکریین علیهما  
السلام با جناب بحرا العلوم نماز می خواندیم  
وقتی که می خواست از تشهد رکعت دوم برای رکعت  
سوم برخیزد یک مرتبه مدت کوتاهی حالت وقفه

و مکث بها و عارض بعد قیام کرده  
 بعد از نماز همه ما از این امر تعجب کردیم و  
 نفهمیدیم علت این کار چه بود و هیچیک از ما جرأت  
 نکردیم از او سؤال کنیم تا وقتی بمنزل آمدیم  
 و سفره غذا را آماده شد یکی از بزرگان بمن اشاره  
 کرد که از ایشان بپرسم گفتم تو از من نزدیک تر  
 هستی دیگر مرتبه علامه بحرالعلوم متوجه من شد  
 فرمود در باره چه موضوعی سخن می گوئید من گفتم که از  
 همه خودمانی تر بودم عرض کردم اینها می خواهند  
 آنچه در نماز بتوعا رض شدروشن شود فرمود: حضرت  
 حجت عجب برای سلام کردن به پدرش داخل روضه شد  
 من از دیدن جمال اقورش به آن حال افتادم  
 که دیدیتا وقتی از حرم خارج شد.

(( دیدار حضرت مهدی عجل الله فرجه ))

سهله

بحار ج ۵۳ ص ۲۴۵ - شیخ باقر کاظمی می گوید یک نفر  
 سلمانی که مرد را استگوشی بود پدر پیری داشت  
 و از خدمت پدرش کوتاهی نمی کرد بطوریکه  
 آفتاب را برای تطهیر تا بیت الخلامی برد و در پشت بیت  
 الخلا منتظر می ایستاد تا پدرش بیرون آید  
 و هیچگاه از او جدا نمی شد و در خدمت او آمده بود

فقط یک شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتم و بعد رفتن به  
مسجد ترک کرد و برگشت علت ترک مسجد را پرسیدم  
گفت: چهل چهارشنبه به مسجد سهله رفتم وقتی مرتبه  
چهل شدن نزدیک مغرب ممکن نشد خارج شوم تنها راه  
افتادم تا شب شد و شب مهتابی بود مقداری راه رفته  
بودم و ثلث راه مانده بود یک مرد اعرابی را دیدم  
که سوار اسبی بود و بطرف من می آمد با خود گفتم  
که این مرد الآن مرا لخت می کند وقتی که بمن رسید  
با زبان عربی بیابانی با من صحبت کرد و از مقصد  
من سوال کرد گفتم مسجد سهله می روم گفت خوراکی  
همراه داری گفتم نه گفت دستت را داخل جیب است  
کن و این کلمه را بلسان بهیوی گفت ( گفتم چیزی  
در جیب نیست دوباره سخن خود را تکرار کرد تا اینکه  
دستم را داخل جیب کردم مقداری مویز پیدا کردم  
که آنرا برای کودک خود خریده بودم و یا دم رفته  
بود در جیب مانده بود .

سپس اعرابی رو بمن کرد و سه مرتبه گفت اوصیک  
بالعوده که عود در زبان بدوی ها پدر پیر را می  
گویند یعنی ترا توصیه می کنم به پدر پیرت بعد  
از نظرم غایب شد فهمیدم که ا و حضرت مهدی عجل است  
که راضی نیست من از پدرم جدا شوم حتی در شب  
چهارشنبه . ( قلم اعد )



(( حضرت مهدی در حال زیارت ))

امیرالمومنین ع

بحارج ۵۳ ص ۲۷۱ سیدبن طاووس در جمال الاسبوع  
نقل می کند که روز یکشنبه که روزا میرالمومنین  
است حضرت صاحب الزمان را در بیداری دید که امیر  
المومنین را با این کلمات زیارت می کند.  
السلام علی الشجرة النبویة والدوحة الهاشمیة  
المضیئة المثمرة بالنبوة المونعة بالامامة  
السلام علیک وعلی ضجیعک آدم ونوح السلام علیک  
وعلی اهل بیتک الطیبین الطاهرین السلام علیک  
وعلی الملائكة المحققین بک والخائفین بقبرک  
یا مولای یا امیرالمومنین هذا یوم الاحد وهـ  
یومک و یا سمک وانا ضیفک فیہ وجارک فا  
ضفی یا مولای واجرنی فانک کریم تحب الضیافه  
وما مول بالاجابه فافعل ما رغبت الیک فیـه و  
رجوته منک بمنزلتک وآل بیتک عندالله ومنزلته  
عندکم وبحق ابن عمک رسول الله صلی الله علیه  
وآله وعلیکم اجمعین.

(( قرائت قرآن حضرت مهدی عج ))

بحارج ۵۳ ص ۲۰۲ میرزا حسین لاهیجی از مولی

زین العابدین سلما سی نقل می‌کند: روزی سید  
 جلیل علامه بحرا العلوم وارد حرم امیرالمومنین (ع)  
 شد و این مصرع را زمزمه می‌کرد  
 چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن  
 مولی زین العابدین سلما سی علت خواندن این  
 مصرع را پرسید بحرا العلوم فرمود: وقتی که وارد حرم  
 مطهر شدم دیدم حضرت حجت عج در با لاسرا میسر  
 المومنین ع نشسته با صدای بلند قرآن می‌خوانند  
 همین که صدایش را شنیدم این مصرع را خواندم تا  
 من داخل حرم شدم حضرت قرائت قرآن را ترک کرد  
 و از حرم خارج شد.

(روایت حضرت مهدی درمنزل)

مولی عبد الرحیم سدی

حاج آقا رضا همدانی در مصاح می‌گوید:

حضرت حجت گاهی خود را برای خواص از شیعه‌ها  
 می‌کند.

مثلاً پنجاه سال قبل از برای یکی از علماء  
 متقی مولی عبد الرحیم دماوندی ظاهر کرده است او  
 می‌گوید: من در منزل خودم در یک شب تاریک که  
 چشم هیچ چیزی را نمی‌دیدم حضرت را دیدم در  
 حالی بطرف قبله ایستاده بود و نور از صورت مبارکش

ساعت بود بطوریکه با آن نور من نقشه های فرش  
را می دیدم.

(( شریعت شفا از دست حضرت مهدی عجل ))

محدث قمی در منتهی الامال ص ۳۱۹ از اشکات  
الهدایا ز شیخ محدث حرعالمی نقل میکنند  
که من در ده سالگی بمرض سختی مبتلا شدم بطوریکه  
قوم و خویشان من در اطراف جمع شده گریه می کردند  
و یقین کرده بودند که من می میرم اما ده  
عزاداری شده بودند در آن شب رسول الله ص را با  
دوازده امام مع بین خواب و بیداری دیدم بده  
ایشان سلام کردم و با یک یک آنان مصافحه کردم  
و میان من و حضرت صادق (ع) سخنی گذشت که در  
خاطر منماندا بینقدر می دانم که آنحضرت در حق من  
دعا کرد آنگاه بباحب الامر عجل سلام و مصافحه کردم  
و گریستم گفتم ای مولای من میترسم در این مرض  
بمیرم و مقصد خود را از علم و عمل بدست نیابم ورم  
فرمودنترس که تودرتو این مرض نخواهی مرد خداوند  
ترا شفا می دهد و عمر طولانی خواهی کرد آنگاه قدحی  
که در دست مبارکش بود بمن داد مقداری از آن  
آشا میدم و در همان حال عافیت پیدا کردم و بکلی

مرض از من زایل شد و نشستم قوم خویشا نم کسه  
بالای سرم بودند تعجب کردند من آنها را بعد از  
چند روز از این قضیه خبر دادم

(( شفای همسر آقای همدانی بدست ))

حضرت مهدی عج

حجّه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد متقی  
همدانی که در صلاح و سداد و تقوی مشهور است نقل  
کردند که همسر ایشان دچار سگته ناقص شده و  
پزشکان از معالجه اش ما یوش شدند تا در شب  
جمعه بیست دوم صفر ۱۳۹۷ که آقای متقی متوسل  
بحضرت مهدی ع می شود و نیمه های شب در اطباق  
خودش در قم خیا بان ایستگاه بوسیده آنحضرت  
شفا می یابد اینک عین واقع را با خط خود  
آقای متقی می خوانید و عکس همانها را برای  
تیمن و تبرک و تشرف حضرت بقیه الله عج در صفحه  
آینده درج می کنیم





عکس خانه ای که در قم ما م زمان را زیارت کردند



شرح حال رویت حضرت مهدی بخط خود آقای منتظری همدانی

### میرزا کاظم خاکی در کمال کرامت و شرف

کتاب

الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی من بعدهم و علی آله الطیبین و سلم

شرح در سببیک به کرمت حضرت علی بن ابی طالب و در بیان صفات او و در بیان احوال او و در بیان...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...

منه است...  
منه است...  
منه است...



(دستوربنای مسجد جمکران)

در چینه‌الماوای محدث نوری حکایت هشتم از محمد بن بابویه قمی نقل می‌کند: که خلاصه‌اش اینست  
شیخ حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید شب سه شنبه ۱۷ ماه رمضان ۳۹۳ در منزل خود خوا بیسته بودم نصف شب جماعتی در خانه اجتماع کرده مرا بیدار کردند و گفتند بر خیز و ما زمانت را اجابت کن که ترا فرا خوانده است وقتی به در خانه رفتم جمعی از بزرگان را دیدم آنها مرا همراه خود به محلی که اکنون مسجد جمکران است بردند در آنجا تختی دیدم که روی آن فرشهای و تشکهای زیبا پهن شده و جوانی به آن تکیه داده و پیر مردی گوی که کتابی می‌خواند در کنارش ایستاده و بیست و شصت نفر سفید و سبزپوش در اطراف او نماز می‌خواندند پس آن پیر مرد که حضرت خضر بود دستور داد تا بنشینم. اما مع مرا به اسم خدا زد و فرمود نزد حسن بن مسلم برو به او بگو: تو این زمین را چند سال است آباد می‌کنی و می‌کاری و ما آنرا خراب می‌کنیم دیگر اینجا زه برگشتن به این زمین را نداری و باید آنچه از غلات این زمین سود برده‌ای باز



گردانی تا در اینجا مسجدی بنا شود. این زمین  
 شریفی است تو آنرا به زمین های خود افزودهای  
 خداوند با مرگ دوجوانت جزای ترا داد...  
 عرض کردم: اگر علامتی نباشد از من قبول نمی کنند  
 فرمود: علامتی در آنجا می گذاریم تو برو پیغام  
 ما را برسان و نزد سید ابوالحسن برو و بگو  
 .... تا آنجا را مسجد بنا کنند و کسری آنرا با غله  
 ملک ما رهق آرده ال تکمیل کنند ما نصف  
 آن ملک را برای مسجد وقف کردیم تا غله آنرا  
 هر سال برای آبادی این مسجد مصرف کنند.  
 بوردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آنرا بزرگ  
 بشمارند، چهار رکعت نماز تحیت در آنجا بخوانند  
 در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره  
 قل هو الله احد و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه بخوانند  
 و در رکعت نماز صاحب الزمان ع به این ترتیب  
 که سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین  
 بخوانند و این آیه را صد مرتبه تکرار کنند بعد حمد  
 را به آخر برسانند و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه  
 بخوانند رکعت دوم نیز بهمین کیفیت انجام شود  
 بعد از سلام تهلیل بگوید (ظاهرا مرادا تهلیل  
 همان لا اله الا الله وحده وحده است) و تسبیح حضرت  
 فاطمه زهرا (ع) بگویند بسجده برود و صد مرتبه

ملوات برپیا مبرو آ لش بفرستد آنگاه ما مع فرمود  
هر کس این نماز را بخواند مثل این که در بیست  
عتیق "خانه کعبه" خوانده است .

وقتی که بطرف منزل برگشتم با دیگر  
مرا خواند و فرمود: در گله جعفر کاشانی چوپان  
بزی است که باید آنرا بخری و در شب آینه  
به اینجا می آوری و ذبح می کنی و در روز چهار  
شنبه ۱۸ ماه رمضان گوشت آنرا به بیماران و  
کسانیکه علیل سخت هستند می دهی خدا وندهمسه  
آنها را شفا می دهد این بز پر مو و ابلق است

وقتی بطرف ده برگشتم با رسوم مرا برگردانید  
فرمود: هفت یا هفتاد روز در اینجا بمان اگر هفت  
روزماندی به لیلها لقدر می رسی که بیست و سوم  
ماه رمضان است و اگر هفتاد روزماندی با بیست  
و پنجمی قعدہ مطابق است و هر دو روز مبارکی  
است حسن بن مثله می گوید آن شب را تا صبح در فکر  
بودم صبح بعد از نماز با علی بن منذر به آن مکان  
رفتم یکی از علامتها را که ما فرموده بود دیدم  
آن زنجیرها و میخها بود بعد بخانه رسیدا بوالحسن  
الرضا رفتیم خدا موعلاما نش گفتند سید ا بوالحسن از  
سحر منتظر تست داخل منزل شدم و سلام کردم و هم  
جواب گرمی داد و مرا احترام کرد و قبل از من



شروع به سخن کرد و گفت ای حسن بن مثلثه من دیشب  
 شخصی را در خواب دیدم که بمن می گفت مردی از  
 جمکران که فاش حسن بن مثلثه است صبحگاه  
 نزدتومی آید هر چه او گفت تصدیق و بقول او اعتماد  
 کن چون کلام او و کلام من است سخن او را رد نکن  
 خواب بیدار شدم و تا حال منتظر تو بودم. بعد رسید  
 ابوالحسن دستور داد تا اسب ها را زین کنند آنگاه  
 بیرون آمده سوار شدند و هنگامی که نزدیک جمکران  
 رسیدند جعفر چوپان را دیدند که گله ای در کنار  
 جاده همراهش بود حسن بن مثلثه داخل گله شد  
 و آن بز که عقب گله بود در دوان دوان بطرف حسن  
 بن مثلثه آمد حسن او را گرفت تا قیمت آنرا به چوپان  
 بدهد و آنرا همراه خود بیاورد جعفر چوپان قسم خورد  
 که بخدا قسم هرگز این بز را در گله ام ندیده بودم  
 از وقتی که او را دیدم هر چه می خواستم او را بگیرم  
 ممکن نمی شد اکنون خود نزد شما آمد بهر حال بز  
 را همانطور که آن سید دستور داده بود به آن مکان  
 آوردند و ذبح کردند سید ابوالحسن الرضا به آن  
 موضع آمد و حسن مسلم را احضار کرد و غلات را از او پس  
 گرفت و غلات اردها را نیز آوردند سقف مسجد را با  
 چوب پوشانیدند بعد سید ابوالحسن آن میخها و  
 زنجیرها را برده و در خانه اش امانت گذارد. مریض

ها و معلولین می آمدند و اعضای خود را به آنها  
می مالیدند و خداوند آنها را فوراً شفا می داد  
و صحت می یافتند

ابوالحسن محمد بن حیدر می گوید: بطریق  
استفاضه از سید ابوالحسن الرضا که در محله  
موسویان قم بود این داستا را شنیدم. بعد  
از وفات سید ابوالحسن فرزندش مریض شد و وقتی  
را که آن زنجیرها و میخها در آن بود با زک  
ولی آنها را نیافت

حضرت مهدی (ع) در مسجد صاحب الزمان قم

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد  
کافی در یکی از آخرین سخنانش که وصیت نامه خود  
را هم ضمن آن ذکر نمود  
چنین نقل کرد: که نوا را این سخن را نی هم اکنون  
موجود و به نوا رو وصیت نامه معروف است  
یکی از رفقا که مرد مذهبی و عاشقان اما زمان عو  
از رفقای من است، از یزدنا مه ای به من  
نوشته بود. در نامه چنین نوشته بود که چند روزی است  
حالم را منقلب کرده گرچه این پیغام بوسیله  
علماء بسیار داده شده است

به مرحوم مجلسی به شیخ مرتضی انصاری به مرحوم  
حاج شیخ عبدالکریم یزدی ، به مرحوم آقا سید  
ابوالحسن اصفهانی و به بعضی از اوقات دیگر  
هم فرموده است .

این بنده خدا نوشته : من چهل شب چهارشنبه  
از یزد بطرف قم حرکت می کردم و به مسجد جمکران  
می آمدم . توسلی و حاجتی داشتم و برمی گشتم  
شب چهارشنبه آخر خسته بودم . با خود گفتم ساعتی از  
اول شب بخوابم سحر بر خیزم و بر نا مه ام را انجام  
دهم . روی صحن حیاط هوا گرم بود خوا بیده بودم  
ناگهان دیدم ز در مسجد جمکران عده ای از طلبه ها  
وارد شدند . پرسیدم چه خبر است ؟ گفتند : آقا حجة  
بن الحسن (ع) می آید . من خوشحال شدم و دو پیاده  
جلورفتم و آقا را دیدم ولی نتوانستم جلو بروم پرسیدم  
آقا آمده اند که برای همیشه آمده باشند ؟ خود  
حضرت بلند فرمود : نه ، برو بمردم بگو برا یم دعا کنند  
خدا فرج نزدیک کند .

(( کیفیت ظهور حضرت مهدی عجل ))

کیفیت ظهور آنحضرت آنطور که در مجلدات  
بحار و کافیه و کتب دیگر موجود است بخاطر پراکندگی

و ذکر هر قسمتی در یک حدیث در خور همگان نبود فلذا  
 صلاح در این بود که خلاصه آنرا طبق نقل عالم وارسته  
 مرحوم حاج شیخ جواد بیاوریم  
 هرگاه وقت خروج آنحضرت برسد شمشیرش که در  
 غلاف است ندا می کند که ای ولی خدا برخیز  
 دشمنان خدا بکش، و ابتدای ظهور از همان ندای  
 آسمانی بیست و سوم ماه رمضان یا اندکی پیش از  
 آن و یا در ماه رجب میباشد که بسوی مکه حرکت  
 می کند کافی از حضرت صادق روایت کرده  
 فرمود: چون سفیانی و یمانی و حسنی خروج کنند  
 صاحب این امر با میراث پیغمبر ص شمشیر روزی  
 و برد و عمامه و قضیب و اسب از مدینه بسوی مکه حرکت  
 کند و در کوه ذی طوی که در مجاورت متصل مکه است  
 ساکن شود و تا وقتی که اجازه خروج بها و داده شود  
 در مکه بماند و با مردم بطور ناشناس رفت و آمد  
 کند و خود را بکسی معرفی نکند و اظهارد دعوت  
 نمی کند تا اینکه یاران او کم کم بر اثر ندای آسمانی  
 جمع شوند و در ایام حج برای مراسم حج و عدهای  
 بجهت فرار از سفیانی و غیره و بمکه هجوم می آورند  
 و حضرت در ماه ذی حجه کم کم خود را به بعضی از خواص  
 معرفی می کند و بعد از حج و قبل از قیام از ایشان  
 بیعت بگیرد که بعضی از آنها را آنحضرت را قبلاً  
 ذکر کردیم

و در اول خروج ده هزار نفر دور آن حضرت جمع میشوند  
و بیشتریا را نش جوان هستند

اما صادق (ع) فرمود: در حالیکه جوانان شیعه  
در بالای بامهای خود خوابیده اند ناگهان نرسد  
صاحب خود در یک شب بدون وعده قبلی حاضر میشوند  
و در مکه صبح می کنند و بر شمشیر هر یک از آنها  
اسم و نسب و نوشته است و کلمه در آن نوشته شده  
که هزار کلمه را و گشوده میشود

اما باقر (ع) فرمود: گویا اصحاب قائم  
را می بینم که ما بین مشرق و مغرب را احاطه کرده اند  
و همه چیز حتی درندگان زمین و درندگان پرند  
مطیع آنها است. زمین بر زمین دیگر فخر می کند و  
می گوید امروز مردی از اصحاب قائم از روی من  
عبور کرد

(( قیام برای بیعت ))

از دوشب قبل یاران خود را وعده می دهد  
تا در شبی که صبح آن قیام می کند سیصد و سی زده  
تن را می خوانند چون صبح شد اول طلوع آفتاب  
به مسجد الحرام جمع میشوند حضرت مهدی عجل  
بالارود و مردم را بخود دعوت کند جبرئیل نازل میشود



می گوید من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم  
پس جبرئیل دست او را ببوسد و دست خود را بدست  
او بمالد بعد ملائکه و جن سپس سیصد و سیزده نفر  
بیعت می کنند بعد جبرئیل ندا می کند ای مرا الله  
فلا تستعجلوه

آنگاه در پیش روی آنحضرت ما بین رکن و مقام  
با یستد و بگوید البیعة لله وقتی که آفتاب بلند  
میشود صبحه آسمانی از چشمه خورشید بزبان عربی  
بلند میشود که همه اهل آسمان و زمین بشنوند  
ندا می کند این مهدی آل محمد (ع است) او را  
بیعت کنید تا هدایت پیدا کنید و مخالفت از او  
نکنید که گمراه خواهد شد پس ملائکه و جن و نقباء  
می گویند سمعنا و اطعنا .

و نزدیک غروب فریادی از طرف مغرب بلند  
میشود ای مردم پروردگارا شما عثمان بن عفیف  
اموی دروادی یا بس از رض فلسطین ظاهر شدند  
او را بیعت کنید تا هدایت پیدا کنید و مخالفت  
نکنید که گمراه خواهد شد در این هنگام ملائکه  
و جن و نقباء می گویند سمعنا و عصینا

ولی آنانکه اهل شک و ریب و نفاق و کفر باشند  
به این ندا گمراه میشوند و چون بیعت حضرت تمام  
شد متفرق میشوند چون بیعت ناگهانی تمام شد

بعد از آن اصحاب با حضرت مهدی عجل رفت و آمد  
می کنند و او را بقیام و خروج اصرار می کنند حضرت  
نفس زکیه را برای دعوت اهل مکه می فرستد و  
را بین رکن بقتل می رسانند پس از قتل نفس زکیه  
برای زیارت بسوی مدینه می رود و آنجا ویزیر  
خود منصوریا منتصر می بیند و با آمدن لشکر سفیانی  
بسوی مکه بر می گردد.

لشکر سفیانی پس از قتل و غارت و خرابی مدینه  
متوجه گرفتن آنحضرت میشود.

(خروج حضرت مهدی عجل و بیعت)

دوم در عاشورا

با سید و سیزده تن از کوه دی طوی پائین  
می آید و به مسجد می رود ابتدا یکی از یاران آنحضرت  
سخن می گوید و مردم را بسوی او دعوت می کند بعد  
خودش بر می خیزد و می فرماید منم فلان پسر  
فلان شما را به آنچه که رسول الله ص دعوت می کرد  
دعوت می کنم و مردم هجوم می آورند او را بکشند  
سید و سیزده نفر از او دفاع می کنند پس ما بین رکن  
و مقام چهار رکعت نماز می گذارد آنگاه از اسمان  
به اسم او ندا شود اصحاب دستحضرت را گرفته برای  
بیعت عمومی می آورند حضرت مهدی عجل به جبرالاسود

تکیه کرده می گوید بقیة اللہ خیر لکم ان کنتم مومنین  
منم بقیة اللہ ایها الناس ما از خداوند نصرت  
می طلبیم... الخ

در همین اثنا که تکیه به حجرالاسود کرده بشیر  
که مردی است صورتش بطرف پشت برگشته وارد میشود  
و او را بفروختن لشکر سفیانی بزمین مژده می دهد  
و می گوید: من وبرا درم در لشکر سفیانی بودیم دنیا  
را خراب کردیم، از دمشق تا بغداد و کوفه و مدینه  
را خراب کردیم منبر پیغمبر را شکستیم ستره های  
ما مسجد پیغمبر را ملوث کردند فرات ما سیصد هزار  
نفر بود برای خرابی این خانه روانه شدیم همینکه  
بوادی بیداء رسیدیم صبحهای بلند شد: گهای بیداء  
این قوم ستمگر را هلاک کن زمین دهن با زکورد  
همه لشکر را بخود فرو برد بعد ملکی مد بصورت ما زد و  
صورت ما به عقب برگشت به برا درم گفت ای ندیر برو  
در دمشق نزد سفیانی و او را بظهور مهدی آل محمد عا نذار

ک  
ن و بگو که لشکرش در بیابان

هلاک شد و بومن گفت برای بشارت به مهدی ملحق  
شو و بردست او توبه کن حضرت دست بصورت او می کشد  
صورتش بحال اول بر می گردد و به آن حضرت بیعت  
می کند و جزء لشکرا و میشود

پس از اتمام مراسم بیعت ابتداء دست های بنی شیبه

((خدمه و کلید دارهای کعبه)) را قطع می‌کنند و آن‌ها را در مکه می‌گردانند و منادی ندا می‌کند دزدان خانه خدا اینان هستند بعد با شمشیر بسراغ قریش می‌رود و شش مرتبه پا نصد نفر پا نصد نفر از آنان گردن می‌زند

(( خروج از مکه بسوی مدینه ))

وقتی که بیعت و عملیات مذکور تمام شد منتظر تکمیل عددده‌ها هزار نفر است بعد با همان ده هزار و سیصد و سیزده وعده مختصر دیگر که بحضورش گرویده‌اند با میراث‌های رسول الله ص و حجر موسی ع حرکت می‌کند هر کجا نزول می‌کند چشمه‌ها از آن حجر ظاهر می‌شود و هر گرسنه و تشنه که از او بخورد سیر و سیراب گردد با همین جمعیت کم‌بلاد مشرق و مغرب را فتح می‌کند

همین که مقداری از مکه دور می‌شود خبر قتل عامل او به او می‌رسد بر می‌گردد کشتگان عامل خود را می‌کشد و خلیفهای دیگر از طرف خود می‌گذارند او را نیز می‌کشند حضرت به آنصار خود دستور می‌دهد که بروید کسیکه ایمان آورده همه را بکشید آنگاه حرکت می‌کند در طی راه مردم را بکتاب خدا و سنت رسول و ولایت علی بن ابیطالب و برائت از دشمنان او دعوت می‌کند

چون بمدينه مي رسد لات وعزي را از قبر تروتسازه  
بيرون مي آورد مردم مي گویند بخدا اگر او محمدی بود  
چنين عملی نمی کرد و اگر علوی یا فاطمی بود نمی کرد  
حضرت عقوبت لات وعزي را تا سه روز بتا خیر  
می اندازد این خبر همه جا منتشر و مردم جمع میشوند  
آنگاه در حضور مردم آنها را بدرخت خشکی بیاویزد  
و آن درخت همان ساعت سبز میشود کسا نیکه دوستداران  
آنها را هل شک هستند می گویند بخدا قسم شرک حقیقی  
اینست الخ

در این هنگام منادی از طرف آنحضرت ندا می کند  
هر کس دوستدار این دونفر است جمعیت جدا شود  
پس حضرت با دسیاهی را می کند بوزدان مردم را  
مانند تنه درخت های بریده بر زمین می افکند  
بعد دستور می دهد آن دونفر را از درخت پائین می  
آورند و آنها را زنده می کند و ظلم و تعدیها و نظام  
بندگان را برگردن آنها بار می کند و آنها را نیز  
اعتراف و اقرار می کنند و باره آنها را بدرخت  
آویزان می کند و می سوزاند و خاکسترها را با دمی دهد

(ورود حضرت به کوفه و نجف)

پس از فراغ از اعمال مدينه عاملی از طرف خود



در آنجا نصب می‌کنند که بسوی عراق حرکت می‌کنند  
 در نزدیکی نجف را بیت رسول الله ص را به اهتزاز  
 در می‌آورد در آنوقت را بیت خراسانی و حسنی و ایمانی  
 به حضرت می‌پیوندند از طرفی را بیت سفیانی از طریق  
 حله برای جنگ وارد می‌شود و سمت شمالی کوفه و  
 شمال جسر در تصرف لشکر سفیانی و سمت جنوب  
 تا نجف در تصرف خراسانی و ایمانی و حسنی و آن  
 حضرت است لشکر سفیانی و جمعی از مردم به سوی او  
 از کوفه خارج می‌شوند و روز جمعه یک نفر از مسلمین  
 کشته می‌شود حضرت پسر رسول الله ص را با زوبین  
 اصحابش بر آنان حمله می‌کند و را کشته و تمام  
 خانه‌های کوفه لشکر او را هزیمت دهند

((برنامه حضرت در مسجد سهله و))

### مسجد کوفه

و روایت است که مسجد سهله اقامتگاه و منزل  
 حضرت مهدی عجل است بعد از ورود و دعا در مسجد  
 سهله داخل مسجد کوفه می‌شود و خطبه می‌خوانند  
 لکن مردم از گریه نمی‌فهمند چه می‌گویند بعد دستور  
 می‌دهد مسجدی بنا می‌کنند که هزار در دارد  
 روزی به رعبه کوفه می‌آید پای خود را بر  
 موضعی می‌زند و از زده‌ها رزق و شمشیر و خود بیرون

می آورد و به دوازده هزار از موالی عجم  
می پوشاند

کوفه را دارا الملک و مسجد جا مع کوفه مجلس حکم و  
مسجد سهله محل بیت المال و غنائم مسلمین و  
خلوتگاهها و نجف اشرف است

(( فتح سایر ممالک و بلاد ))

پس از آنکه کوفه را امن و منزلگاه خود قرار  
داد به بلاد و طواقف دیگری می برد از دوا بتدا بسوی  
سفیانی می رود پس از آنکه حجت آنرا اسیر و بقتل  
می رساند و شام را متصرف میشود

پس از خاتمه جنگ سفیانی سه پرچم ترتیب  
میدهد یکی را به قسطنطنیه و دیگری را بجیمن  
وسومی را به دیلم می فرستد و هر سه فاتح می شوند  
بعد به ممالک و به بلاد دیگر مانند مصر و بصره  
و حروراء می برد از دوهشت ماه شمشیر بردوش می گذارد  
و جنگ می کند

از جمله کسانیکه با حضرت مقابله می کنند  
لشکر ابلیس است حضرت ابلیس را بقتل می رساند  
و اصحابش بهلاکت می رسد پس از فتح و نصرت کسانیکه  
آن حضرت خروج و احتجاج می کنند و یکی پس از  
دیگری سرکوب میشود و حکومت مطلقه الهیه در تمام  
روی زمین در اختیار آن حضرت قرار میگیرد

( اشعار گلچین درباره حضرت )

مهدی عجب مناسبت میلاد

فیض روح قدسی با ز طبع مرده را جان داد  
عندلیب نطقم را دستگاه دستنان داد  
بلبل غزلخوان را جان در گلستان داد  
طوطی شکرخا زاره بشکرستان داد  
\* کام تشنه ما را خضر آب حیوان داد \*  
صورتی نمایان شد از سراق معنوی  
طلعتی بسی زیبا قامتی بسی رعنا  
فرق فرقدان سایش زیب تاج کرمننا  
رانده زهرف همت تا مقام ودانی  
\* بزم لی منع الله را رونقی بیایان داد \*  
آنکه نسخه ذاتش دفتر کما لاتست  
مصحف کما لاتش محکما ت آ یا تست  
اولین مقاماتش منتهی الینها یا تست  
طور نور و میثاقش پرتوی از آن ذاتست  
\* جلوه دلارایش جان گرفت و جانان داد \*  
بزم غیب مکنون را اوست شاه و مشهود  
ذات حق بیچون را اوست فیض نا محدود  
عاشقان مفتون را اوست عایت مقصود  
دوستان دلخون را اوست مهدی موعود

\* در قلوب مشتاقان نام نامیش جان داد \*  
 ایزما هتا ما هی بندگان فرما ننت  
 مستدشهنشا هی لایق غلاما ننت  
 بزم لی مع الاهی خلوتیست شایا ننت  
 جلوهای بکن گاهای تا شوم بقربا ننت  
 \* جان ز گفتوان دادن لیک یا رنتوان داد \*  
 ای حجاب ربانی تا چندینها نسی  
 ای تویوسف ثانی تا یکی بزندانسی  
 شد محیط امکانی همچوشا مظلما نسی  
 جلوه کن باسانی هم چو صبح نورانسی  
 \* بیش از این نشاید تن زیر بار هجران داد \*

((چند رباعی از غزلیات آیه العظمی))

کمپانی تعبیه شده

ای شمع جهان افروز بیا \* وی شا هدعا لم سوز بیا  
 من مفتخر رنجورتو ام \* تا جان بلباست هنوز بیا  
 ای خاک درت جا م جم ما \* آیا خبرت هست ز غم ما  
 با سا ز غمت دمساز شدیم \* اعدا زونیا ز تو محرم ما  
 ای مرحم سینه خسته ما \* وی مونس قلب شکسته ما  
 کی حلقه شود در گردن یار \* این دست بگردن بسته ما  
 در عشق تو شهره آفاقم \* دیوانه حلقه عشا ققم  
 از خلق کریم تومی طلبم \* راهی بمکارم اخلاقم

صهبا یخم تو خرا بم کرد \* سودای تو کبا بم کن کرد  
 مخموری نرگس بیدارش \* از نشاء خویش بخوا بم کرد  
 مهز تورا سانه بماه مرا \* وز چاه بذروه جاهاه مرا  
 عمری بدرش بردیم پناه \* نگرفت دمی به پناه مرا  
 هر کس که بعهده وفا نکند \* پس دعوی صدق و وضا نکند  
 عشق توقیرین بسی بخت \* رنجور تو فکر دوا نکند  
 دل جز کوی تو هوا نکند \* بیمی از فقر و فنا نکند  
 تلخی ز توای شیرین جهان \* سهل است ولی خدا نکند  
 آن دل که بیا دشما نبود \* شایسته هیچ بها نبود  
 درد دل عاشق بیدل را \* جز جلوه یار دوا نبود  
 چشمی که ز عشق نمی دارد \* از لوء لوء ترچه کمی دارد  
 هر کس که غم تو بسینه گرفت \* دیگر بجهان چه غمی دارد  
 آن سینه که مهر تو مه دارد \* روزی چو شبان سیه دارد  
 قربان وفا ی دل ی گمردم \* کوجان ب عشق نگه دارد  
 آن کس که بمثل توشه دارد \* عمریست که چشم بره دارد  
 هر چند که بندگنه کما رم \* گر لطف کنی چه گنه دارد  
 یا را آنچه بسینه سینا کرد \* با این دل سوخته ما کرد  
 آن سود که مفتقرا ز تو نمود \* جان را با جانان سودا کرد  
 هر کس بتو دست تولا زد \* پا بر سر عرش معلای زد  
 تا با تو دلم همدم شد دم \* از سردنی فتدلینی زد  
 برق تو ز طور تجلی زد \* آتش در بنده و مولا زد  
 بی عشق تو گمره هر که قدم \* دروادی صام و صلی زد



رسوای زمانه زبا نم کرد \* فاش این همه را ز نهانم کرد  
 گیرم که زبان بندم از عشق \* با اشگروان چه توانم کرد  
 آن کیست که بسته بند تو نیست یا آنکه اسیر گفند تو نیست  
 کوتاه نظریم و مدیحه ما \* زیباییه سرو بلند تو نیست  
 هر جا که بسوی تو می بینم \* یکجا همه روی تو می بینم  
 دریای محیط دو گیتی را \* یک قطره ز جوی تو می بینم  
 تا گوهر عشق انداخته ام \* چشم ز همه عالم دوخته ام  
 از دفتر عشق تو روز نخست \* دیبا چه غم آموخته ام  
 از یار دنیا ز ندیده کسی \* جز عشو و نا ز ندیده کسی  
 گویند سوز بسا زدولی \* این سوز و گدا ز ندیده کسی  
 تنها نه سم به کمند هوی \* من را مرکوب العشق هوی  
 رنجور ترا بهبودی نیست \* اذلیس لداء الحب دوا  
 آن سینه که تیر ترا هدف است \* کنچنیه معرفت و شرف است  
 کور است ز دیدار رخ تو \* آن ندیده که با ز بهر طرف است  
 بخدا که ز غیر تو بیزارم \* وز خویش همیشه در آزارم  
 رنجورم و با زمرنجانم \* بیزارم و با زمیایارم  
 ابروی تو قبله حاجاتم \* وی کوی تو طور مناجاتم  
 گر بنده خویشم گردانی \* بیزار ز کشف کراماتم

(( غلام سیا هست منم مهدی ))

سینه تنکم مجال آه ندارد

جان بهوای لب است و راه ندارد

گوشه چشمی بسوی گوشه نشین کن  
زانکه جز این گوشه کن پناه ندارد  
گرچه سیه روشدم غلام تو هستم  
خواجده مگر پندیده سیاه ندارد  
از گنه من مگو کینه زاده آدم  
ناخلف استی اگر گناه ندارد  
هر که گدائی ز آستان تو آموخت  
دولت اندوختی که شاه ندارد  
مهر تو در هر دلی که کرد تجلی  
داد فروغی که مهر و وفا ندارد

جان بی تو بلب آمدیا مهدی؛

ای پادشاه خوبان دادا ز غم تنها نشی  
جان بی تو بلب آمد وقت است که با زائی  
ای درد تو مدرمان در بسترنا کامی  
وی یا دتوا مونس در گوشه تنها نشی  
مشتا قی و مهجوری دورا ز تو چنانم کرد  
کز دست نخواهد شد پان شکیبان نشی  
داشم گل را بین بستان شا دا ب نمی مانند  
دریاب ضعیفا نرا در وقت توانا نشی  
در دا بیره قسمت ما نقطه پرگا ریم  
لطف آنچه تواندیشی امر آنچه تو فرما نشی

نکر خود دورای خود در عالم ندی نیست

کفر است در این مذهب خوبینی و خوراشی

یا رب بکه بتوان گفت این نکته که در عالم

رخساره بکس ننمود آن شاه هرجا ئسی

دیشب گله زلفش با با وصبا گفتیم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودا ئسی

صد با دصبا آنجا با سلسله میرقصند

اینست حریف ایدل تا با دنه پیما ئسی

ساقی چمن گل را بی روی تورنگی نیست

شما دخرا مان کن تا با غبیا را ئسی

حافظ شب هجران شد بوی خوش صبح آمد

شادیت مبارکبادای عاشق شیدا ئسی

((به در خانه مهدی عجم))

((چند بیت از دیوان ناچیزم))

عمری با منتظا رو حالت نشسته ایم

آنی ز درد هجرت و شاها نرسته ایم

در پیشگاه قدس تو گر خسته می خزند

بر آستان قدس تو سوگند خسته ایم

بر مال و جاه بسته اگر دیگران امید

ما جز درت امید بجائی نیستیم

گر نیستیم لایق دیدار یک نظر

از دور کن بما که زهر جا گسته ایم

بیما رهشق را نبود چاره غیر دوست  
 شاها تلافی که همه دل شکسته ایم  
 که حال ما چو زلف پریشان تو گهی  
 سنبل صفت بدور گلت دسته دسته ایم  
 در جستجوی روی تو کردیم صرف عمر  
 افسوس تا کنون بدرت ره نجسته ایم  
 خوئینیا نخوست ایا م هجر رفت  
 با یا دا و چو افسر شاها ن خجسته ایم

((مدیح و جهک یا مهدی))

بشری لکم یا معشرا الغباد  
 فی اللیلة المسعودة المیلاد  
 و قدر شعبان علامن قدر  
 من طلعة فی ضوءها کالیوم  
 منتظرا مرا من الرحمن  
 صاحبنا و صاحب الزمان  
 فقد تجلی فی وجه الباری  
 بیوره القا هر للانوار  
 و ای نور هونورا انوار  
 بیندک فی سببها نور الطور  
 و کیف و هو خاتم الولا یه  
 فهل لغایة الکمال غایه

والله كل ما يشاء يهدي  
بنوره والنور نور المهدي  
وقلبه مقلب القلوب  
وعنده مفاتيح الغيوب  
واليمين كل اليمين في جبينه  
والخير كل الخير في يمينه  
وهو ولي الامر لا سواه  
ومبدء الخير ومنتهاه  
كل لسان المدح عن جلاله  
والبهر العقول في جماله  
بذاك الجلال، والجمال  
قد ختمت دائره الكمال  
بقيه الله وصفوه الرسل  
ونجبه الوجود ما شئت ققل  
يا غائبا مثاله عيانه  
انفض على اسم الله جل ثناؤه  
يا كعبه التوحيد من جور العدي  
تهدمت والله اركان الهدي  
انشرلواك ايها الموتور  
فانك المويذ المنصور  
يا ايها القائم بالقسط امم  
وجهك للدين الخفيف وانتقم



یا رب عجل لولیک الفرج

فاننافی کل ضیق و حرج

((تنها امید ما مهدی (ع))

ای صاحب ولایت و والاترا ز همه

ای چشمه عیانت و افاضات دائمه

ای ابتدا و خلقت و سر حلقه و جینود

ای انتهای سلسله اولیا همه

از جلوه تو خلقت عالم شروع شد

ای عمرتوبه دور زمان حسن خاتمه

یا بن الحسن بیا که شد از روز غیبتت

دنیا پرا اضطراب و بشر در مخاصمه

قرآن که لایمسه الا لمطهرون

با رای هر کسی شده تفسیر و ترجمه

حکم تو عدل مطلق و فرمان داور است

حاجت نباشدت به شهود و محاکمه

زان سرکشان که مردم دنیا به وحشتند

قلب سلیم و پاک ترا نیست و همه

با این همه قوای جهانگیر ظالمان

تنها توئی که امید بشریای بن فاطمه

ای پرچم شکوه تو بر آسمان بلند

یک رو نظر فکن به علمدار علقمه

بنگر ب خاک و خون علم سرنگون او  
 گوئی که با درفش تودا ردمگا لمه  
 امشب حسان بیا دتوا ز غصه فارغ است  
 هر دم کند دعای ظهور تو ز مزمه  
 در پایان از خدای منان که نعمت ولایت اتممه  
 طاهرین عبا لاص حضرت مهدی عج را بما عنایت  
 فرموده: خواستاریم که در این لیله نیمه شعبان  
 که شب مبارکی است دست های این گروه شیعه  
 ستم دیده را که هر چند دست های گنهکار است ولی دست  
 معصومی هم چون مهدی عج در میان آنها است  
 خالی و صفر برنگرداند و با عیدی از زنده ما را مجدو  
 کرامت بخشد که ما از همه دنیا و آخرت فقط وجود  
 با برکت و میمنت اش را می طلبیم. اللهم انزلنا  
 الطلعة الرشيدة والفرجة الحميدة واكمل ناظرى بنظرة  
 منى اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واسع منهجه  
 واسلك بهى محجته وانفذا مره واشددا زره واعمر  
 اللهم به بلادك واحى به عبادك.

قم نیمه شعبان ۱۴۰۱

الف - الف

پایان

۳۴	اسماء و القاب حضرت مهدی
۳۵	خصوصیات حضرت مهدی
۴۰	صفات امام زمان ع
۴۳	صفات امامت مهدی ع
	آثار و مواریث انبیاء
۴۴	نزد مهدی
۴۵	علائم ظهور و قیام مهدی
۴۶	غیبت صغری
۴۷	غیبت کبری
۴۸	غیبت از نظر شیعه
۴۹	غیبت از سنت انبیاء
	پیشگوئی معصومین از
۵۰	غیبت او
	حال آنحضرت و شیعیان
۵۲	در غیبت
۵۵	طول عمر مهدی (ع)
۵۶	معمربین دنیا
۵۸	وقایع زمان غیبت
۶۳	علامات نزدیک قیام حالات و وظائف شیعیان
۶۷	در زمان غیبت او
	کسانیکه در زمان غیبت
۷۸	خدمت حضرت رسیدند

	فهرست
۲	مقدمه و اهداء
۵	سر لوجه گفتار
۸	حضرت مهدی در قرآن
۹	ماء معین حضرت مهدی
۹	غیب منتظر مهدی
	حضرت مهدی منت خدا بر
۱۰	مستضعفین
۱۱	امت معدودها صاحب مهدی
	روایت خاصه و عامه درباره
۱۲	مهدی عج
۱۲	مهدی فرزند فاطمه
۱۳	یاران مهدی در غیبت
۱۳	منکرین مهدی عج
	عدالت مهدی عج پس از
۱۴	ظلم جهانی
۱۵	مهدی از آل محمد است
۱۶	دلیل عقلی بر وجود مهدی
	عقاید و اقوال ملل و
۱۷	ادیان درباره مهدی
۲۴	مقدمه ولادت مهدی ع
۲۴	داستان مادر حضرت مهدی
۳۰	داستان ولادت مهدی ع

- ۱۰۱ قیام برای بیعت
- ۱۰۳ خروج حضرت مهدی
- ۱۰۵ خروج از مکه به مدینه  
ورود حضرت از کوفه  
به نجف
- ۱۰۶ برنامہ حضرت در مسجد  
سهله
- ۱۰۷ فتح سایر ممالک و بلاد
- ۱۰۸ اشعار گلچین درباره  
حضرت مهدی ع
- ۱۰۹ چند رباعی از غزلیات  
آیه الله العظمی کمپانی  
تعبیه شده
- ۱۱۰ غلام سیاهت منم مهدی
- ۱۱۲ بدرخانه حضرت مهدی ع  
بیت از دیوان ناچیز
- ۱۱۴ بمناسبت لیلة المیلاد
- ۱۱۵ تنها امیدما مهدی ع
- ۱۱۸ پایان
- ۱۱۹ فهرست

- ۷۸ قصه بحر العلوم  
ملاقات با امام زمان عدر  
کنا رکعبه
- ۷۹ دعای حضرت برای نجات  
از گرفتاریها
- ۸۰ دعاء دیگر حضرت مهدی ع  
دیدارهای بحر العلوم
- ۸۲ دیدار علامه بحر العلوم  
در حرم عسکریین ع
- ۸۴ دیدار حضرت در مسجد  
سهله
- ۸۵ دیدار حضرت مهدی در حال  
زیارت امیرالمؤمنین
- ۸۷ قرائت قرآن حضرت  
مهدی (ع)
- ۸۷ روءیت حضرت مهدی در  
منزل مولی عبدا الرحیم
- ۸۸ شفا از دست حضرت
- ۸۹ شفا همسر آقای متقی
- ۹۰ دستور بنای مسجد  
جمکران
- ۹۴ کیفیت ظهور حضرت
- ۹۹